

فصل نامه علمی - تخصصی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۵

مطالعات نقد زبانی و ادبی (رخسار زبان سابق)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۲۶

سال ششم، شماره بیست سوم، زمستان ۱۴۰۱

صفحات: ۱۹۶-۱۵۰

زبان گورانی: گویش باجلانی

ترجمه، نقد و تصحیح: سید مهدی سجادی

دی. ان. مکنزی

منبع: پژوهشنامه دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی (BSOAS)، دانشگاه لندن، جلد ۱۸، شماره ۳، بزرگداشت جی. آر. فرث (۱۹۵۶)، صص. ۴۱۸-۴۳۵.

منتشرشده به وسیله: انتشارات دانشگاه کمبریج به نمایندگی از دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی

ترجمه، نقد و تصحیح: سید مهدی سجادی، دانش‌آموخته دکتری تخصصی زبان‌شناسی دانشگاه تهران

زبان گورانی: گویش باجلانی^۱

در بین رود فرات در موصل و اولین روستاهای کردی حدود ۲۰ مایل^۲ به سمت شرق، منطقه‌ای نزدیک به ۴۰ مایل از شمال به جنوب گسترده است که گروهی از مردمان دارای باورهای مذهبی زیاد در آن ساکن هستند.^۳ کمتر شناخته شده‌ترین این گروه از مردمان، سه فرقهٔ مسلمان افراطی هستند. نخستین کسی که آنها را مورد مطالعه و بررسی قرار داد، فادر آناستاس ماری^۴ در مقاله‌ای^۵ دربارهٔ شبک، صالری^۶ و بَجْران^۷ بود. وی این

^۱ عنوان مقالهٔ نگارنده، «باجلانی» است چرا که برای وی بدیهی است که باجلانی، گویشی از زبان گورانی است، همچنانکه در دیگر آثار خود دربارهٔ زبان گورانی این را بدیهی انگاشته است. برای نمونه، در کتاب خود با عنوان «The Dialect of Awroman (Hawrāmān-ī Lūhōn): Grammatical sketch, texts, and vocabulary» که مترجم، منتقد و مصحح اثر حاضر وی آن را با عنوان «زبان گورانی (گویش هورامی کهنی): کلیات دستور زبان، متون و واژگان، سندج: تافگه (۱۴۰۰)» به فارسی ترجمه، نقد و تصحیح نموده است، در عنوان کتاب تنها به گویش هورامی اشاره کرده است زیرا برای وی بدیهی بوده است که هورامی، گویشی از زبان گورانی است، همانگونه که در صفحهٔ ۴ همان کتاب (پاراگراف ۲؛ خط ۲، ۱ و ۳) صراحتاً به این نکته اشاره نموده است یا در کتاب دو جلدی خود با عنوان «Kurdish Dialect Studies I & II (1961a), London: Oxford University Press / مطالعه و بررسی گویش‌های کردی ۱، ۲ (۱۹۶۱ الف)، لندن: مؤسسه انتشاراتی دانشگاه آکسفورد» که در واقع رسالهٔ دکتر وی است، نه از زبان گورانی و نه از هیچ کدام از گویش‌های آن نامی نبرده است چرا که گورانی زبانی ایرانی، مستقل و متمایز از کردی، است. اگر نگارنده می‌دانست که بیش از نیم‌سده پس از پژوهش‌های عالمانهٔ خود در باب زبان‌های ایرانی به طور کلی و زبان گورانی به طور خاص هنوز زبانوران زبان‌های ایرانی به طور عام و زبانوران گورانی به طور مشخص، چه تحصیل‌کرده و متخصص و چه غیر از آن، هنوز نمی‌توانند درک درستی از جایگاه و ماهیت زبانی این زبان ایرانی کهن با ادبیاتی دست کم ۱۴۰۰ سالهٔ غنی اعم از مذهبی و غیر مذهبی داشته باشند، بدون شک در عنوان همهٔ آثار خود پیش از هر چیز عبارت «زبان گورانی» را می‌آورد. بنابراین، با توجه به عدم آگاهی درست و علمی زبان‌شناختی و تاریخی اکثریت قریب به اتفاق زبان‌شناسان ایرانی، گویشوران غیر گورانی‌زبان و گورانی‌زبانان امروزی چه در سطح خواص و چه در سطح عوام از جایگاه زبان گورانی و ماهیت زبانی این زبان و به تبع آن هویت زبانی زبانوران آن ناشی از عدم آشنایی و آگاهی، در مورد زبان‌شناسان ایرانی و زبانوران غیر گورانی‌زبان، و تبلیغات نادرست، اشتباه و فاقد وجهت عقلی، منطقی و علمی ناسیونالیسم خانه‌عنکبوتی کردی هم در شکل‌سخت‌افزاری و هم نرم‌افزاری آن، در مورد زبانوران گورانی و کردی، و در نتیجه رسوبات ذهنی غیر علمی، قبیله‌ای، عشیره‌ای و عامیانهٔ منتج از آن که مانع و سد بزرگی برای درست و علمی اندیشیدن، گفتن و عمل کردن به‌ویژه در میان سرسپردگان چشم و گوش‌بستهٔ این بدیده و در واقع مسخ‌شدگان آن ایجاد نموده است، نگارندهٔ این سطور در ترجمه، نقد و آثار مربوط به زبان گورانی به‌ویژه آثار پروفیسور مکنزی، عنوان «زبان گورانی» را نخست آورده است، می‌آورد و خواهد آورد تا این ذهنیت نادرست، اشتباه و فاقد هر گونه مبنای علمی زبان‌شناختی و تاریخی که گورانی‌گونه‌ای کردی است، به تدریج اصلاح گردد و ذهنیت درست و علمی زبان‌شناختی و تاریخی که گورانی زبانی ایرانی، مستقل و متمایز از کردی، است جایگزین شود. مهم‌تر از این، حقایق و واقعیت‌های زبان‌شناختی مبتنی بر مواد و داده‌های زبانی که در این مقاله آمده‌اند و مقایسهٔ آنها با مواد و داده‌های زبانی دیگر گویش‌های گورانی از جمله هورامی به عنوان کهن‌ترین و تا حد زیادی دست‌نخورده‌ترین گویش گورانی که به بهترین شکل ممکن حفظ شده است و می‌تواند نسبت به دیگر گویش‌ها بازتاب‌دهندهٔ ماهیت زبانی زبان گورانی باشد و به عبارت دیگر، سرمنون و نمونهٔ اعلائی زبان گورانی باشد، ثابت می‌کند که باجلانی گویشی از زبان گورانی است. افزون بر این، برای کسب اطلاعات بیشتر در باب زبان گورانی و گویش‌های آن می‌توان، برای نمونه، به منابع زیر مراجعه نمود: (۱) مکنزی، دی. این. (۱۹۰۰)، *زبان گورانی (گویش هورامی کهنی): کلیات دستور زبان، متون و واژگان، ترجمه، نقد و تصحیح: سیدمهدی سجادی، سندج: تافگه، ۲* سجادی، سیدمهدی، «گورانی، هورامی و کردی: یک بررسی زبان‌شناختی در پاسخ به چمن‌آرا (۱۳۹۰)» و بامشادی و همکاران (۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶)، «جستارهای زبانی، د ۱۱، ش ۴ (پیاپی ۵۸)، ۲۶۱-۳۲۷. سجادی، سیدمهدی (۱۴۰۰)، «جای‌نام‌شناسی، جغرافیای تاریخی و تاریخ فرهنگی زبان گورانی»، مجموعه مقالات دومین همایش ملی مطالعات نام‌شناسی ایران، تهران: نشر نویسهٔ پارسی. ناگفته نماند که به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص گویشوران باجلانی که در کشور عراق ساکن‌اند، گویششان به عنوان جزیره‌ای زبانی/ گویشی شدیداً از کردی و عربی تأثیرپذیر بوده است به گونه‌ای که همگونی ناقص آن مدت زیادی است آغاز گردیده است و به سوی همگونی کامل پیش می‌رود. (مترجم، منتقد و مصحح) (از اینجا به بعد، در پایان پانوش‌های مترجم، منتقد و مصحح، (م) که کوتاه‌نوشتهٔ «مترجم، منتقد و مصحح» است، می‌آید). همچنین، معادل لاتینی اسامی خاص و اصطلاحات تخصصی در پانوش‌ها از (م) است.

۲ هر مایل برابر است با حدود ۱۶۰۹ متر. (م)

۳ این گزاره به روشنی نشان می‌دهد که این مردمان کُرد نیستند. (م)

4 Father Anastase Marie

5 'Tafkəhato l-aḏhān fītaḡrīfē ḡalāḡhātē ʔadyān', *Al-Machriq*, V, Beirut, 1899.

6 /šabak/

7 /šārli/

بَجْران‌ها، «کردهایی ... که خود را الهی^۲ می‌نامند»، را ساکن روستاهای عَمَرکان^۳، تُپَرَق- زیارَه^۴، تِل یعقوب^۵ و بَشِیپَتَه^۶ می‌داند. او از علی‌رَش^۷، یَنگیجَه^۸، خَزَنَه^۹ و تَلارَه^{۱۰} به عنوان روستاهای شَبکی نام می‌برد اما در نسبت دادن آنها به ناحیهٔ سنجار^{۱۱} به وضوح در اشتباه است. در واقع، آنها در سمت شرق موصل، در همان ناحیهٔ حَمْدانیَه^{۱۲} (= بَر تَلارَه^{۱۳})، هستند که تهرَق- زیارَه و دیگر روستاهای بَجْران در آنجا واقع‌اند.

بیش از یک قرن پیش^{۱۴} کلاودیوس جیمز ریچ^{۱۵} به «کردهای» باجیلان در سه روستا واقع در حدود ۱۲ مایل به طرف شمال یعنی کانی‌ماران^{۱۷}، امام فَدَلَه^{۱۸} و بَعویزَه^{۱۹} بر خورد. اَسکار مان^{۲۰} که در ابتدای این قرن^{۲۲} از منطقه دیدن کرده است، ۱۱ روستا را از فادِلَه^{۲۳} (فَدَلِیَه^{۲۴}) در شمال تا آرپَجی^{۲۵} و گوگَجلی^{۲۶} در جنوب و از جمله تَلارَه^{۲۷} و بعویزه را فهرست نموده است که دارای سکنهٔ باجلانی هستند. مان بلافاصله تشخیص داده بود که این مردم با باجلانی‌های منطقهٔ قصر شیرین- زهاب^{۲۸} مرتبط هستند. کتاب تازه‌ای دربارهٔ شَبکی‌ها از احمد حمید الصراف^{۲۹} کامل‌تر به نظر می‌رسد، با این وجود، برای نمونه، از تُپَرَق- زیاده^{۳۰} (اگر اشتباه نباشد)، باشبیه^{۳۱} (اگر اشتباه نباشد) و بعویزه به عنوان روستاهایی کاملاً شبکی یاد می‌کند. این تناقض و مغایرت بین

¹ /baʃōrān/

² /allāhi/

³ /ʕomarkān/

⁴ /topraq-zəyāra/

⁵ /tel yaʕqub/

⁶ /baʃpita/

⁷ /ʕali-raʃ/

⁸ /yangija/

⁹ /xazna/

¹⁰ /tallāra/

¹¹ /sənjār/

¹² /hamdāniya/

¹³ /bartallā/

^{۱۴} مقاله حاضر در سال ۱۹۵۶ میلادی نگارش یافته است. (م)

¹⁵ Claudius James Rich

^{۱۶} «روایت اقامت در کردستان [Narrative of a residence in Koordistan]»، لندن، ۱۸۳۶، ۲، ۸۳، ۱۰۵.

¹⁷ /kānimārān/

¹⁸ /ʔəmām faḍla/

¹⁹ /baʕwiza/

²⁰ Oskar Mann

^{۲۱} «گوش‌های گوران ... باجلانی [Mundarten der Gûrān ... Bâdschālāni]»، ویرایش‌شده توسط وان کارل هدنک [bearbeitet von K.]

Hadank، ل. برلین، ۱۹۳۰، ۴۱.

^{۲۲} منظور قرن بیستم میلادی است. (م)

²³ /fādəla/

²⁴ /faḍliya/

²⁵ /ʔarpaʃi/

²⁶ /gōgjali/

²⁷ /təllāra/

²⁸ /qasr-ə-ʃirin-zohāb/

^{۲۹} «شَبکی: از فرقه‌های افراطی در عراق [ʔaʃ-Šabak, mən fəraqə l-ḡulāt fə l-ʕərəq]»، بغداد، ۱۹۵۴. از پروفیسور وی. مینورسکی [V. Minorsky]

بابت این منبع سپاسگزارم.

³⁰ /topraq-zəyāda/

³¹ /bāʃbiθa/

فادر آناستاس و آسکار مان ممکن است نتیجه گذر و تغییر زمان باشد. به هر حال، من تنها روستایی، به فاصله زیاد به سمت شرق جبل مقلوب^۱ در منطقه‌ای کردی، که شبک‌ها اخیراً در آن ساکن باشند، دیده‌ام. الصراف زبان شبک‌ها را آمیزه‌ای از کردی، فارسی، عربی و ترکی می‌داند، همانگونه که فادر آناستاس پیش از او این نظر را داشت. او می‌گوید که از میان همسایگان‌شان، با جوان^۲‌ها سنی‌هایی هستند که عشق و علاقه بیش از حدی به به امام علی [ع]^۳ نشان می‌دهند و زبانشان خیلی به شبکی نزدیک است هرچند اندکی با آن متفاوت است.

یک نقشه حکومتی جدید عراق که دارای نقش و نوشته شبک بر روی همه روستاهایی است که در بالا ذکر شدند و صارلی دورتر در جنوب در کرانه‌های زاب بزرگ، تنها منطقه خیلی کوچکی دارد که با جوان را در منطقه کانی‌ماران نشان می‌دهد. امروزه مردم این منطقه را همسایگان عموماً به عنوان شبک می‌شناسند. «چش مکر[؟]»^۴ (به شماره ۱۶۹ در ادامه رجوع شود) عبارتی است که به طور گسترده شناخته شده است. بسیاری از شبک‌ها در سراسر شمال عراق، اگر نه در محل‌های دورتر، همانند هم‌قومان خود هَجَجی‌های^۵ هورامان (اورمان) در فاصله بیشتر در جنوب، دستفروش سیار هستند.^۶ تفاوت‌های فرقه‌ای در میان شبک‌ها، صارلی‌ها و باجلانی‌ها، به نظر می‌رسد به اندازه مسأله توزیع و پراکنش واقعی‌شان مشکل و نامشخص باشد. با این حال، شواهد محدود موجود به نظر می‌رسد نشان می‌دهد که آنها دارای گویش‌های کاملاً مرتبط ایرانی و احتمالاً خاستگاه و منشأ قومی یکسان، ایرانی، هستند.

در تابستان سال ۱۹۵۵، به واسطه مهمان‌نوازی فوق‌العاده آقای تی. ایچ. گیلسون^۷، معاون کنسول اعلیحضرت پادشاه انگلیس در موصل، توانستم از چند ساعت اقامت اجباری در آن شهر از این فرصت نهایت استفاده را بکنم

^۱ /ʃabal maqlub/
^۲ Bājwān

^۳ نشان کروش/ قلاب «||» از (م) است. (م)

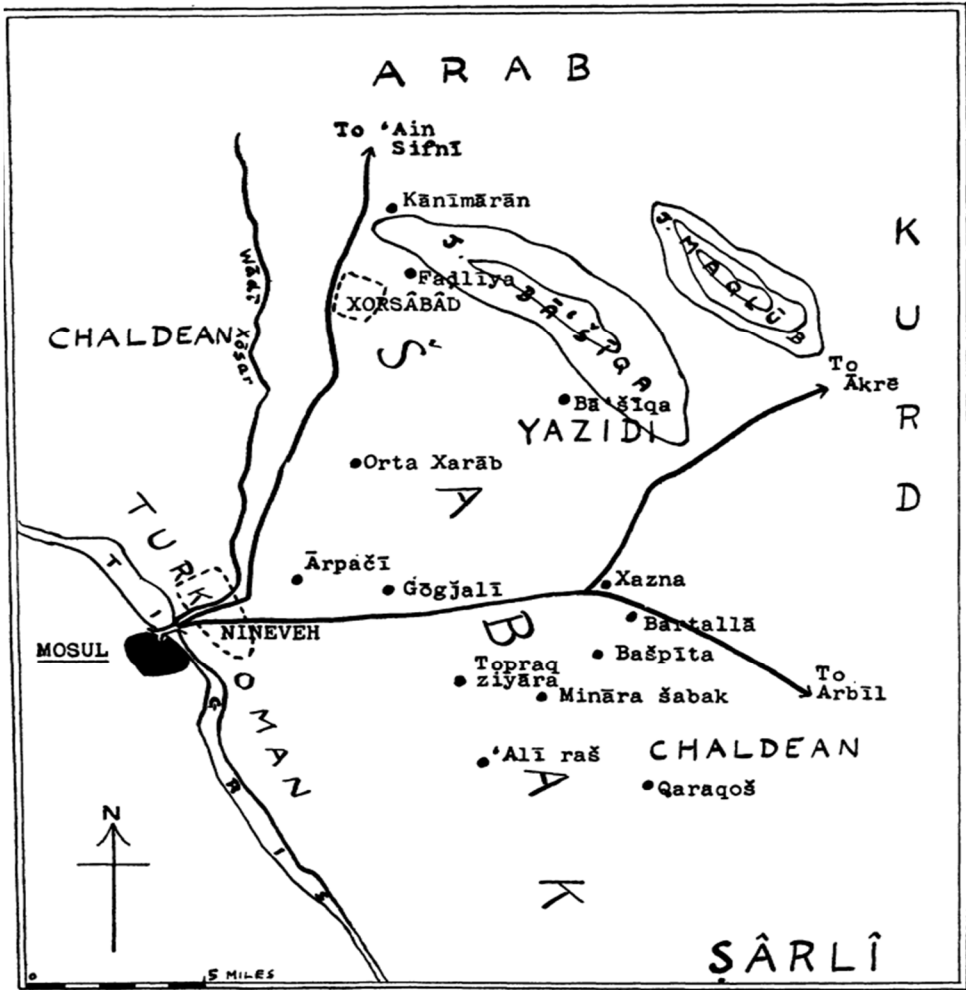
^۴ /češ makarō/

^۵ منظور این است که عبارت «چش مکر؟»، عبارت و برجسی است که به طور گسترده برای اشاره به هویت شبک‌ها به طور کلی و هویت زبانی آنها به طور خاص از آن استفاده می‌شود. این عبارت در زبان گورانی از جمله در گویش هورامی که کهن‌ترین گویش زبان گورانی و با توجه به شرایط ویژه گویشوران آن از جمله موقعیت جغرافیایی نسبت به دیگر گویش‌های گورانی تا حد زیادی دست‌نخورده باقی مانده است و به بهترین شکل ممکن حفظ شده است و در نتیجه تا حد زیادی ماهیت زبانی زبان گورانی را نشان می‌دهد، (برای اطلاعات بیشتر در این زمینه می‌توان، برای نمونه، به «مکنزی، دی. این (۱۴۰۰)، زبان گورانی (گویش هورامی گهونی): کلیات دستور زبان، متون و واژگان، ترجمه، نقد و تصحیح: سیدمهدی سجادی، سندج: تافگه» و «مکنزی، دی. این (۱۴۰۱)، «ریشه‌های کردی»، ترجمه، نقد و تصحیح: سیدمهدی سجادی، فصلنامه علمی‌تخصصی فرهنگ مردم/ ایران، شماره ۷۰» مراجعه نمود). به معنی «(او دارد) چکار می‌کند؟/ (او) در حال انجام چه کاری است؟» است. افزون بر این، همانگونه که اشاره گردید، استفاده از این عبارت از سوی همسایگان شبک‌ها برای اشاره به هویت آنها به طور کلی و هویت زبانی‌شان به طور خاص کافی است تا به روشنی ثابت کند که آنها گوران هستند نه کرد. (م)

^۶ /hajēji/

^۷ نگارنده آن را همانند فارسی و کردی به صورت /hajjīs= هَجَجی‌ها/ آوانویسی کرده است در حالی که تلفظ آن در میان خود گوران‌ها، /hajjīs= هَجَجی‌ها/ است. /hajjē/ هَجَج/ نام روستایی در استان کرمانشاه ایران است و /hajēji= هَجَجی/ صفت آن است. زبان هَجَجی‌ها، گورانی هورامی است. (م) این نیز به وضوح نشان می‌دهد که شبک‌ها همچون دیگر گوران‌ها از جمله هَجَجی‌های هورام دارای هویت گورانی هستند. (م)

^۹ T. H. Gillson



باجلانستان

و نخست از روستای آرپچی^۱ دیدن نمایم و سپس با دو یا سه روستایی به صورت خصوصی مصاحبه کنیم. دیدگاه‌های آن سه روستایی ارزش ثبت و ضبط آنها را دارد. آنها ادعا می‌کردند عرب هستند و به قبیله طی^۲، نزدیک‌ترین همسایگانشان در آن سوی فرات، تعلق دارند. همهٔ شبکه‌ها کاملاً لباس عربی می‌پوشند که به طور کلی از هر نوع پوشش کردی متمایز است.^۳ با این وجود، آنها خود را بجلان^۱ «بجلانستان» یا بچوان^۳

^۱ /ʔārpači/

^۲ /ṭayy/

^۳ آنچه به اشتباه پوشش کردی نامیده می‌شود، در واقع پوشش گورانی است. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه می‌توان، برای نمونه، به منابع زیر مراجعه نمود:

(۱) مکنزی (۱۴۰۰: ۲۰۴) در:

می‌نامیدند که عرب‌ها آن را به «باجوان»^۴ تبدیل می‌کنند. افزون بر این، آنها ادعا می‌کردند سنی هستند و می‌پذیرفتند که معدودی شیعه در روستا وجود دارند.

منبع اطلاعاتی اصلی من شخصی به نام قاسم رشید، جوانی سرزنده و مشتاق، بود که با وجود سفرهایی که می‌کرد، داوطلبانه همکاری می‌نمود و از قبول حق‌الزحمه خودداری می‌کرد. اظهارنظرها و توضیحاتش دربارهٔ صارتی تنها اظهارنظرهایی‌اند که می‌توانم به آنها اشاره کنم. وی زبانشان را «صورت مشکل‌تر شبکی» می‌دانست و منظورش از این، زبان خودش بود. حالت چهره‌اش درست اعتقادی‌اش را نمایان می‌ساخت هنگامی که آنها را به عنوان «شیعه‌هایی با گرایش داسینی^۵ها» یعنی یزیدی^۶ها (این نام مشهور، داسینی^۷ در تلفظش، را از، تحسین بگ، رهبر موقت فعلی یزیدی‌ها، می‌گرفت) توصیف می‌کرد. وی می‌گفت «لیله‌الکفشه^۸»، ذکرشده توسط فادر آناستاس، «تداوم و تکرار محرم» است و کفش را با ارجاع و اشاره‌ای غیر قابل فهم به موی آشفته و کنده‌شده بر اثر حزن و اندوه توضیح می‌داد.

هدف اصلی این مقاله انتشار یادداشت‌های زبان‌شناختی زیر است که در طی حدود ۵ ساعت گردآوری شده‌اند. اگرچه اندک و ناکامل هستند اما می‌توانند برای افزایش یادداشت‌های حتی ساده‌تر مان دربارهٔ باجلانی از خُرساباد^۹ به کار روند.^{۱۰} پس از بررسی دقیق و کامل مواد زبانی مان از سوی هدنگ^{۱۱}، توضیح و تفسیر بیشتر تقریباً زائد و غیر ضروری است. با این وجود، این فرصتی برای جلب توجه به یک نقص در نشانه‌گذاری از جهاتی دقیق مان است یعنی این حقیقت که هیچ جایی در متونش، کردی یا غیر آن، تمایزی بین /I/ تک‌ضربی^{۱۲} و /Ī/ چند ضربی^{۱۳}، گذشته از نویسه‌های تصادفی /II/ برای دومی، وجود ندارد.^{۱۴}

مکنزی، دی. این (۱۴۰۰)، *زبان گورانی (گوش هورامی گهنوی)*: کلیات دستور زبان، متون و واژگان، ترجمه، نقد و تصحیح: سیدمهدی سجادی، سندج: تافگه.

(۲) کردستانی (ماه‌شرف) (۱۳۳۲: ۲۱) در:

کردستانی (ماه‌شرف)، مستوره (۱۳۳۲). تاریخ اردلان. مقدمه، تصحیح و تحشیة ناصر آزادپور. کرمانشاه: بهرامی.

¹ /bajlān/

² /bajlānəstān/

³ /bejwān/

⁴ /bājwān/

⁵ /dāsəni/

⁶ /yazidi/

⁷ /dāsini/

⁸ /laylatol-kafša/

⁹ /xorsābād/

^{۱۰} به نقل از همان اثر، ۴۲۴-۴۰۶.

^{۱۱} Hadank

^{۱۲} tapped = زنشی / تک‌ضربی لثوی. (م)

^{۱۳} rolled = غلتان / تکریری / چندضربی لثوی. (م)

^{۱۴} نمادهای آوایی به کار رفته در این مقاله مبتنی بر نظام واجی زبان گورانی به شرح زیرند: **همخوان‌ها**: همزه = ? (با وجود آنکه یکی از واج‌های نظام واجی زبان گورانی است اما نگارنده آن را نادیده گرفته است. مترجم، منتقد و مصحح آن را آوانویسی کرده است.)، ب = b، پ = p، ت = t، ج = t̤، چ = t̤ʃ، ح = h، خ = x، د = d، ð = ð، د = d (همخوانی ناسوده، دندانی و واگذار است. برای تولید آن نوک زبان به دندان‌های بالا نزدیک می‌شود بدون آنکه با آنها تماس پیدا کند. محل وقوع آن محیط بین دو واکه، پایان واژه پس از واکه و در خوشهٔ آغازی به عنوان عضو دوم خوشه است تا اصل سلسله‌مراتب رسایی رعایت شود.

۱. اسم‌ها^۱

حالت غیر فاعلی^۲ اسم‌ها و ضمایر همانند هم، با پسوند /-i(-y)/ ساخته می‌شود.

قصاب گوسفند را سر می‌برد. ^۳	(1) qasāb paz ⁴ i kār ⁵ mōrnō.
--	--

پایانهٔ جمع /-gal/ در باجلانی یافت می‌شود.^۶

این چیزها	ʔi təštgal ⁷
-----------	-------------------------

پس از اعداد اصلی و صفت‌های عددی خاصی، اسم‌ها پسوند /-a/ می‌گیرند.^۸

دو مرد/ مردان زیادی	duwa/fērā ⁹ zalām ¹⁰ a
---------------------	--

دارای بسامد زیادی در زبان گورانی و از ویژگی‌های منحصر به فرد نظام واجی این زبان است. نگارنده این واج را نادیده انگاشته است. مترجم، منتقد و مصحح آن را آوانویسی نموده است. (رزنشی/ تکضربی لئوی) = t, (تکریری/ چندضربی لئوی) = z, z̄ = ž, s = š, ʃ = ʂ (نگارنده از نماد «^۱» استفاده کرده است که در الفبای بین‌المللی آوانگاری وجود ندارد). غ = q, f = q, k = k, g = q, ل (کناری لئوی پیشین) = l, ل (کناری نرم‌کامی شدهٔ لئوی پسین) = m, n = n, ñ = ñ, و (دولبی غنچه‌ای) = w, و (لب و دندانی) = v (نگارنده این واج را نیز نادیده گرفته است. مترجم، منتقد و مصحح آن را آوانویسی کرده است). ه = h, ی = y, واکه‌ها: a = /-ā, e = /-ē, ای = /-ī, خیلی کوتاه/ شوا = a, او = u, /-ā = /-ā, /-ē = /-ē, خیلی کوتاه = o. شایان ذکر است که شکل نمادهای آوایی به کار رفته در ترجمهٔ مقاله با شکل نمادهای به کار رفته در اصل مقاله کاملاً یکسان نیستند اما به لحاظ نقش و کارکرد هیچ تفاوتی با هم ندارند. بر اساس داده‌های زبانی موجود در این مقاله، نظام واجی گویش باجلانی همانند نظام واجی زبان گورانی است با این تفاوت که فاقد دو واج /d/ و /q/ و از سوی دیگر دارای واج /p/ است. دلیل این امر می‌تواند تأثیر شدید نظام واجی کردی و عربی بر نظام واجی باجلانی به عنوان جزیره‌ای زبانی/ گویشی باشد. واج /d/ در باجلانی همانند برخی دیگر از گویش‌های زبان گورانی در حال همگونی با واج /d/ است. ناگفته نماند که نگارنده در این اثر همچون دیگر آثارش، واج /ʔ/ را نادیده گرفته است و آن را آوانویسی نکرده است. همچنین، برای آوانویسی واج /ʔ/ از نماد «^۲» استفاده کرده است در حالی که نماد این واج در الفبای آوانگاری بین‌المللی، /ʔ/ است. مترجم، منتقد و مصحح هر دوی این موارد را اصلاح نموده است. (م)

۱ شماره‌گذاری زیرعنوان‌ها از (م) است.

۲ oblique = غیر فاعلی/ صریح/ مستقیم. (م)

۳ جدول‌گذاری و درج داده‌های زبانی در درون جدول‌ها از (م) است.

۴ در گورانی هورامی از واژهٔ /may(a)/ گوسفند/ استفاده می‌شود. /paz/ = گوسفند، معمولاً در کردی به کار می‌رود. البته داده‌های زبانی این مقاله نشان می‌دهند که در باجلانی از واژهٔ /may(a)/ نیز استفاده می‌شود. برای نمونه: (جملهٔ شمارهٔ ۹۴). از اینجا به بعد، تنها برابرنهاد آن واژه‌ها و ساخت‌های دستوری باجلانی، در گورانی و به‌ویژه گویش هورامی آورده می‌شود که به نظر می‌رسد ناشی از تأثیر کردی و عربی بر باجلانی و در نتیجه به عنوان وام-واژه و وام‌ساخت در باجلانی وجود داشته باشند. (م)

۵ برابرنهاد گورانی هورامی آن، /kārđi/ = کارد، چاقو/ است. همانگونه که پیشتر اشاره شد، تحت تأثیر نظام واجی کردی و عربی، واج /d/ در باجلانی با واج /d/ همگون شده است. این روند در برخی دیگر از گویش‌های زبان گورانی به دلیل تأثیر نظام واجی دیگر زبان‌ها به صورت همگونی ناقص و حتی کامل همچون باجلانی در حال وقوع است. (م)

۶ در گورانی هورامی دو نشانهٔ جمع وجود دارند: /-e/، /-ā(n)/، حالت فاعلی. (۲) /-ā(n)/، حالت غیر فاعلی. (م)

۷ برابرنهاد گورانی هورامی «چیز»، /čew/ و «چیزها»، /čev/we/ است. (م)

۸ در گورانی هورامی در چنین شرایطی معدود (اسم) با عدد در شمار مطابقت نشان می‌دهد. اسم‌ها وقتی پسوند /-ā/ می‌گیرند که پیش از اعداد اصلی و صفت‌های عددی، صفت اشاره‌ای آمده باشد. مانند: /ʔā dəv/wa koʔa/ = آن دو پسر. (م)

۹ در گورانی هورامی، /fəra/ به کار می‌رود. (م)

۱۰ برابرنهاد آن در گورانی هورامی، /pəyā/ = مرد/ است. /zalām/ = مرد/ معمولاً در کردی به کار می‌رود. (م)

۲. ضمائر

۱.۲ ضمائر شخصی

	شخص		
مفرد	۱	ʔamən ^۲ , -m	(2) ʔi təʔtgala gəʔt ^۱ hin ʔamənyan. این چیزها همه مال من هستند.
	۲	ʔatu ^۳ , -t	... hin ʔatuyan. ... مال تو هستند.
	۳	ʔed ^۴ , ʔaw/ -š	... hin ʔawyan/ʔedyan. ... مال او هستند.
جمع	۱	^h ema, -mā(n)	... hin ʔemayan. مال ما هستند.
	۲	ʔešma ^۵ , -tā(n) hin ʔešmayan. ... مال شما هستند.
	۳	ʔešān ^۶ , -šā(n)	... hin ʔešānyan. ... مال آنها هستند.
شخصی	he- ^۷	(3) ʔamən māriš čəni hem. من او را همراه خودم خواهم آورد.	

۲.۲ ضمائر اشاره

این = ʔina	این کتاب است. = (4) ʔina kətāban.
آن = ʔuna ^۸	آن چیست؟ = (5) ʔuna čəšan?

^۱ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /gərd/ = همه/ است. /gəʔt/ = همه/ معمولاً در گویش گورانی ادبی به کار می‌رود. برابر نهاد کردی آن، /hamu/ است که همان /hame/ فارسی است. (م)

^۲ در زبان گورانی بسته به گویش از /mən/، /ʔamən/، /ʔaz/ و /ʔam/ استفاده می‌شود. (م)

^۳ در گورانی هورامی به جای /w/، /ō/ به کار می‌رود. (م)

^۴ در گورانی هورامی به جای /d/، /ḏ/ به کار می‌رود. (م)

^۵ در زبان گورانی بسته به گویش از /ʔə/ešma/ و /šəma/ استفاده می‌گردد. (م)

^۶ در زبان گورانی بسته به گویش از /ʔāde/ و /ʔādišā(n)/ استفاده می‌شود. (م)

^۷ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /we- = خود- است. (م)

^۸ در گورانی هورامی سه ضمیر اشاره (هم مفرد و هم جمع) وجود دارند. مفرد: /ʔina- این (مذکر)/ = ʔine این (مؤنث): نزدیک، /ʔāna- آن (مذکر)/ = ʔāne آن (مؤنث): دور، /ʔuna- آن اوان (مذکر)/ = ʔune آن اوان (مؤنث): خیلی دور، جمع: /ʔine- اینها: نزدیک، /ʔāne- آنها: دور، /ʔune- آنها/ اونها: خیلی دور، لازم به توضیح است که در گورانی هورامی دو جنس دستوری مذکر و مؤنث و دو شمار مفرد و جمع وجود دارند. جنس دستوری تنها در صورت‌های مفرد بازنمایی می‌شود. (م)

توجه	اوناهاش! = (6) hāwnaš!
اینها = *ʔingala ²	šortia ¹ ne= (7) ʔinagla [اگر اشتباه نباشد] اینها پلیس هستند.

۳. صفات

۱.۳ صفات اشاره

پس از صفات اشاره ʔi=این / و ʔu=آن^۳، اسم‌ها پسوند تعیینی^۴ /-a/ می‌گیرند.

(8) ʔi qalama hin ʔamənyan.	این قلم مال من است.
(9) ʔu zalāma bābō ⁵ man.	آن مرد پدرم است.

به نظر می‌رسد یک پسوند مؤنث^۶ معادل، /-e/، وجود داشته باشد که هم با صفات اشاره و هم با پسوندهای ملکی به کار رود، در:

(10) ʔi kənāče kənāčeman.	این دختر، دخترم است.
---------------------------	----------------------

/aya/* (با شماره ۶۱ در ادامه مقایسه شود) به نظر می‌رسد به /-e/ هم منجر شود، در:

(11) ʔi koře kořaman.	این پسر، پسر من است.
(12) ʔi yāne hin bābōman.	این خانه، مال پدرم است.

هنگامی که پسوند تعیینی و پایانه حالت غیر فاعلی با هم بیایند، یکی از آنها اغلب حذف می‌شود.

(13)	ʔi zalāmay čəni het bāra.	این مرد را همراه خودت بیاور.
	ʔi kořay ...	این پسر را ...

^۱ دو واکه پشت سر هم نمی‌آیند، باید همخوانی در بین آنها درج شود. (م)

^۲ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /ʔine/ است. (م)

^۳ در گورانی هورامی سه صفت اشاره (شکل مفرد و جمع آنها یکی است) وجود دارند: ʔi=این (نزدیک)، ʔā=آن (دور)، /ʔu=آن/اون (خیلی دور). (م)

(م)

^۴ determinative

^۵ افزون بر این، در زبان گورانی بسته به گویش از واژه‌های /bāwā/، /bāwō/ به معنی «پدر» نیز استفاده می‌شود. (م)

^۶ این نشان می‌دهد که در گویش باجلانی نیز همچون دیگر گویش‌های زبان گورانی، جنس دستوری وجود دارد. (م)

این دختر را ...	ʔi kənāče ...
-----------------	---------------

۴. افعال

پایانه‌های شخصی زمان حال عبارتند از:

		شخص	
حال گذرا ^۱ و ناگذر ^۲	مفرد	۱	-i (-y)
		۲	-i (-y) ^۳
		۳	-ō
	جمع	۱	-me
		۲	-e ^۴
		۳	-ān

پسوندهای ضمیری‌ای که با زمان‌های گذشتهٔ افعال گذرا به کار می‌روند، به استثنای سوم شخص مفرد، ویژگی پایانه‌های شخصی را به خود گرفته‌اند و در زمان‌های گذشتهٔ افعال ناگذر هم ظاهر می‌شوند. با این وجود، در مورد دوم، پسوندِ /-i (-y)/ نیز حضور دارد. به شکل زیر:

		شخص	
گذشتهٔ ناگذر	مفرد	۱	-im (-ym)
		۲	-it
		۳	---
	جمع	۱	-imān
		۲	-itān ^۵
		۳	-išān

مجهول /-y/ از ستاک حال فعل گذرا ساخته می‌شود. ستاک حال مجهول دارای پسوندِ /-n/ اضافی است که به /-əny-/ می‌انجامد (با شمارهٔ ۲۰۲ و غیره در ادامه مقایسه شود). در زمان گذشته افعال مجهول و «آمدن»^۱ به

^۱ transitive = متعدی، گذرا. (م)

^۲ intransitive = لازم، ناگذر. (م)

^۳ در گورانی هورامی، پایانهٔ شخصی دوم شخص مفرد زمان حال همانند گورانی باجلانی است اما برخلاف گورانی باجلانی، اول شخص مفرد زمان حال پایانهٔ شخصی ویژهٔ خود را دارد یعنی /-u(w)/. (م)

^۴ این پایانه در گورانی هورامی، /-de/ است. (م)

^۵ در برخی از گویش‌های زبان گورانی همچون برخی از گونه‌های هورامی از /-mā/, /-tā/ و /-šā/ که در واقع کوتاه‌شدهٔ /-mān/, /-tān/ و /-šān/ هستند، استفاده می‌گردد. (م)

عنوان فعل کمکی مجهول، دارای پسوند ناگذر /-i/ همراه با پایانه‌های شخصی گذشته و حال ناقص هستند، بدین گونه:

		شخص	
گذشته مجهول	مفرد	۱	-im
		۲	?
		۳	---
	جمع	۱	-ime
		۲	?
		۳	-(y)e

سوم شخص جمع /-e/ را با سوم شخص جمع فعل ربطی^۲ (شماره ۴۷ در ادامه) مقایسه کنید.

ترکیبات مجهولی با «آمدن» به عنوان فعل کمکی باید با ساخت مشابه آن در گویش‌های کردی شمالی مجاور^۳، برای مثال *hātən a koštən* = کشته شدن / (با شماره ۲۱۴-۱۵ در ادامه مقایسه شود) مقایسه شوند.^۴

کردی، /*ua kərən*/ شمالی و /*kərdənawa*/ مرکزی، به معنی «باز کردن» را با *ō* وند /*ō*/ در /*ṛōkardəm*/ (شماره ۱۷۹)، مقایسه کنید.^۵ کاربرد آن در ارتباط با برخی افعال، /*titō*/ (شماره ۱۵۵)، /*katō*/ و صفات، /*sawzō*/ (شماره ۵۹ و غیره)، نامشخص است.

به دلیل فقدان مصدر، صورت‌های صرفی (صیغگان)^۶ زیر، بر اساس طبقه، به ترتیب الفبایی برابرهادهای فارسی نو مرتب می‌شوند.

1 come
2 copula

^۳ این بیانگر آن است که باجلاتی کردی نیست بلکه گویشی گورانی است که گویش‌های کردی شمالی مجاور و همسایه آن هستند. (م)

^۴ چنین ساختی برای بیان مجهول در گورانی نیز وجود دارد هر چند که دارای عمومیت و شمول نیست و به نظر می‌رسد، برای نمونه، در مواردی به کار می‌رود که فاعل و عامل، جاندار و انسان نباشد. برای مثال: /*ʔāvake ʔāmā qol*:/ = آب جوش آمد (تحت‌اللفظی: آب‌معرفه‌مؤنت آمد جوش)، /*sara-m ʔāmā ʔeš*:/ = سرم درد آمد (تحت‌اللفظی: سر-آمد درد)، /*mene xārəšt*:/ = به خارش در می‌آیند. (تحت‌اللفظی: می‌آیند خارش). (م)

^۵ وند /*ō*/ در برخی از گویش‌های دیگر زبان گورانی از جمله هورامی به صورت پسوند فعلی با همان معنی و نقش وجود دارد که در واقع کوتاه‌شده پسوند فعلی /*-(a)v/wa*/ در برخی دیگر از گویش‌های گورانی است. مانند: /*karday(a)v/wa*/ و /*kardayō*/ که هر دو به معنی «باز کردن» هستند. لازم به توضیح است که نگارنده در اثر دیگر خود، «ریشه‌های کردی» (۱۴۰۱)، ترجمه، نقد و تصحیح: سیدمهدی سجادی، *فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ مردم ایران*، شماره ۷۰، وجود این وند (شکل کامل آن یعنی پسوند /*-(a)v/wa*/) را در کردی مرکزی و جنوبی ناشی از تأثیر گورانی می‌داند که جایگزین پیشوند فعلی /*ua*/ در کردی شمالی شده است. (م)

^۶ paradigm

افتادن ^۱				
	شخص (مفرد)			برابرنهاد فارسی
حال	۱	magni		من خواهم افتاد.
	۲	magni	(14) ʔatu če magni.	تو هم خواهی افتاد.
	۳	magnō	(15) mogō bogno.	آن خواهد افتاد.
امر	۲	bagna		بیفت!
گذشته	۱	katim		من افتادم.
	۲	katit		
	۳	kat, katō		آن افتاده است.

آمدن					
		شخص		برابرنهاد فارسی	
حال	مفرد	۱	may	(16) bale, may čənit.	بله، با تو خواهم آمد.
		۲	may	(17) sāra ^۲ nəmay čənim?	فردا با من نخواهی آمد؟
		۳	mayō	(18) ʔed mayō čənimā?	او با ما می‌آید.
				(19) fəra hōrm ^۳ əm mayō.	خیلی خواهم می‌آید.
		۱	mayme		

^۱ مصدرها در اصل مقاله نیز به فارسی آمده‌اند. (م)

^۲ برابرنهاد گورانی هورامی آن، /sabā/ یا /bayāni/ به معنی «فردا» است. (م)

^۳ برابرنهاد آن در گورانی هورامی و ادبی، /war(ə)m/ یا /xā/aw/ به معنی «خواب» است. (م)

	جمع	۲	maye	(20) ʔešma maye? ʔare	شما می‌آید؟ آری.
		۳	mayān	(21) sāra bēlā bayān.	بگذار آنها فردا بیایند.
امر	مفرد	۱	bō	(22) bō čənim.	با ما بیا!
	جمع	۲	bōe	(23) bōe čənimā.	با ما بیایید!
گذشته	مفرد	۱	ʔāmāym	(24) nānəm wārd u ʔāmāym.	من غذا خوردم و آمدم.
				(25) ʔozera čalatān ʔāmāym.	دیروز پیش تو آمدم.
		۲	ʔāmāyt	(26) čə kāmən ʔe ʔāmāyt?	از کدام راه آمدی؟
		۳	ʔāmā	(27) ʔe ^d čə šār ʔāmā.	او از شهر (موصل) آمد.
	جمع	۱	ʔāmāymān	(29) čə ʔārači ʔāmāymān?	ما از آرپچی آمدیم.
				۲	ʔāmāytān
		۲	ʔāmāytān	(31) bə xer ʔāmāytān.	خوش آمدید!

^۱ جالب است بدانید که هنوز هم افراد بالای ۷۰ سال در منطقه هورامان ایران برای اشاره به شهر سنندج به جای واژه /سنندج (=səna) سنه: نام گورانی

(ن) /تنها از واژه /šār/ شهر/ استفاده می‌کنند. (م)

^۲ =na/ در، توی، به/ در زبان گورانی به دو شکل وجود دارد: (۱) به شکل حرف اضافه مستقل در برخی از گویش‌ها از جمله گورانی ادبی، باجلانی و غیره.

(۲) به شکل پسوند در برخی دیگر از گویش از جمله هورامی. مانند: /yāna-na/ در خانه/، /... /wā-na-lev/ رفت در/توی ... /، و غیره. (م)

		۳	ʔāmāyšān	(32) čə šār ʔāmāyšān.	آنها از شهر (موصول) آمدند.

بودن، شدن					
		شخص			برابرنهاد فارسی
فعل ربطی	مفرد	۱	-ni	(33) ʔamən ʔistā čəndā ¹ ni.	من اکنون اینجا هستم.
		۲	-ni	(34) čəkaʔāni?	تو کجا هستی؟
				(35) ʔatu keni?	تو چه کسی هستی؟
		۳	-(a)n	(36) čəkaʔān?	او کجا است؟
				(37) ʔed ken?	او چه کسی است؟
				(38) yāngaš čə ʔākran.	مکان (خانه) اش در آکره ^۲ است.

^۱ برابرنهاد گورانی هورامی آن، /či/ega, čəya/ یا /či/ega, ʔačəya/ = ʔači/ega در اینجا/ است. (م)

^۲ صورت و تلفظ به اصطلاح کردی عفره: شهری در عراق. (م)

			(39) dēnyā čə mħ ¹ alan?	ساعت چند است؟
			(40) nāməš češan, ʔi balada ² ?	اسم این شهرک چیست؟
			(41) hawrā ³ man.	گرسنه هستم.
			(42) hamrāman.	او همراهم [رفیقم] است.
			(43) čəqa ⁴ sawzan.	چقدر سبز است!
جمع	۱	-(ə)nme	(44) čəndānme.	ما اینجا هستیم.
			(45) hemānənme.	آن ما هستیم.
	۲	-ne	(46) čəndāne.	شما اینجا هستید.
			(47) ʔešāngala kene čəndā nəštane?	آنهايي که آنجا نشسته‌اند، چه کسانی هستند؟

¹ در زبان گورانی خوشهٔ دوهمخوانی آغازین وجود ندارد و معمولاً بین آنها /θ/ یا /o/ می‌آید اما در جایگاه پایانی، خوشهٔ سه‌همخوانی هم وجود دارد. (م)

² /balad/ وام‌واژه‌ای عربی است. برابر نهاد «شهر» و «شهرک» در زبان گورانی به ترتیب /šār/ و /šārōčka/ است. (م)

³ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /ʔa/āwrā/ = گرسنه/ است. (م)

⁴ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /čənna/ = چقدر/ است. (م)

				¹ ʔinagla šorʔiane.	اینها پلیس هستند.
منفی	مفرد	۲	nawani	(48) hawrā nawani?	تو گرسنه نیستی؟
		۳	nawan	(49) tašna ² m nawan.	من تشنه نیستم.
				(50) hawrāt nawan?	گرسنه نیستی؟
				(51) ʔi təšta čyānga heš nawan.	این چیز در جای مناسب نیست.
حال	مفرد	۱	mabi	(52) duwa sa řōyače mabi řārif.	ظرف دو یا سه روز گروهبان خواهم شد.
		۲	mabi	(53) na ³ , ʔatu nēmawi [اگر اشتباه نباشد].	نه، نخواهی شد.
		۳	mabō	(54) mogō sawz bābō.	آن سبز خواهد شد.
(55) xayla ⁴ sawz mabō.	محصول [گندم] سبز خواهد شد.				
امر	مفرد	۲	ba		
	مفرد	۱	bim	(56) ʔozera ¹ ʔamən čə ʔākra bim.	دیروز در آکره بودم.

¹ منظور جمله شماره ۷ است که پیشتر آمده است. (م)

^۲ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /tašna/ = تشنه/ است. (م)

^۳ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /nā/ = نه، خیر/ است. (م)

^۴ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /xala/ = گندم/ است که اسمی عام/جنس (انبوه) است. /ganma/ = دانه گندم/ هم وجود دارد که برای اشاره به هر یک از

دانه‌های گندم به کار می‌رود. (م)

گذشته		۲	bit	(57) ʔozera ʔatu čalāmā bit.	دیروز با ما بودی.
		۳	bi	(58) kār mā habi.	کار داشتیم [مشغول بودیم].
				(59) xayla sawzō bi.	محصول [گندم] سبز بود.
	جمع	۱	bimān		
		۲	bitān		
		۳	bišān		
کامل	مفرد	۳	bian	(60) hamā ² sawzō nabian.	آن هنوز سبز نشده است.
				(61) ʔi ħadiqa ³ ya sawzō bian.	این باغ سبز گشته است.

ترسیدن					
		شخص			برابرنهاد فارسی
حال	مفرد	۲	matarsi	matarsi? ⁴	می ترسی؟

برخاستن					
		شخص			برابرنهاد فارسی
حال	مفرد	۱	morzi	(62) ʔistā morzi mali	اکنون بر خواهیم

¹ برابرنهاد گورانی هورامی آن، /he/izi/ = دیروز/ است. (م)

² برابرنهاد گورانی هورامی آن، /ħalāy/ یا /hištāy/ به معنی «هنوز» است. (م)

³ /ħadiqa/ وام‌واژه‌ای عربی است. برابرنهاد گورانی «باغ» و «باغچه» به ترتیب /bāx/ و /bāxčəla, bāxčə/ است. (م)

⁴ نگارنده این جمله پرسشی را نیاورده است اما برابرنهاد انگلیسی آن را آورده است. (م)

				yāna.	خواست و به خانه خواهم رفت.
		۲	morzi		
		۳	morzō		
امر	مفرد	۲	ʔorza ¹		برخیز / بلند شو!
	جمع	۲	ʔorze	(63) ʔorze tā bəlme yāna.	بلند شو و بگذار برویم به خانه.
گذشته	مفرد	۱	ʔorzāym	(64) ʔamən ʔorzāym lwāym yāna.	برخاستم و به خانه رفتم.
		۲	ʔorzāyt		
		۳	ʔorzā	(65) ʔozera ʔorzā lwā.	دیروز او بلند شد و رفت.

خفتن					
		شخص			برابرنهاد فارسی
حال	مفرد	۱	mō ² si	(66) ʔistā mogō bōsi.	اکنون خواهم خوابید.
		۲	mōsi	mogō bōsi? ³ bōsi? ³	آیا قصد داری بخوابی؟
		۳	mōsō	(67) ʔed fārā mōsō.	او زیاد می-خوابد.
	جمع	۱	mōsme	(68) ʔema nəmatāwme bōsme.	ما نمی‌توانیم بخوابیم.
		۲	mōse		

¹ در گورانی هورامی، این فعل به جای /ʔ/ با /h/ آغاز می‌شود. (م)

² در گورانی هورامی به جای /ō/، /u/ به کار می‌رود. (م)

³ نگارنده این جمله را نیاورده است اما برابرنهاد انگلیسی آن را آورده است. (م)

		۳	mōsān		
امر	مفرد	۲	bōsa		
	جمع	۲	bōse		
گذشته	مفرد	۱	hotim		خوابیدم.
		۲	hotit	(69) xās hotit?	خوب خوابیدی؟
		۳	hot		
	جمع	۱	hotimān		
		۲	hotitān	(70) xās hotitā?	خوب خوابیدید؟
		۳	hotišān		
کامل	مفرد	۳	hotan	(71) ?u žana čəkala hotan?	آن زن کجا خوابیده است؟

رفتن					
		شخص			برابرنهاد فارسی
حال	مفرد	۱	mali	(72) ?amən mali šār.	دارم به شهر (موصل) می‌روم.
				(73) mogō bəli šār.	به شهر (موصل) خواهم رفت.
		۲	mali	(74) kała ¹ mali?	کجا داری می‌روی؟
		۳	malō	(75) ?ina kała malō?	او کجا دارد می‌رود؟
	جمع	۱	malme	(76) sārzi ² malme šār.	فردا زود به شهر (موصل) خواهیم رفت.

¹ برابرنهاد گورانی هورامی آن، /kō(ga)=کجا/ یا /pay kōy/kōgay= به کجا/ است. (م)

² برابرنهاد آن در گورانی هورامی، /sabā zu, səbhew zu= فردا زود/ است. (م)

				(77) bəlme sar ʔi tape.	بباید برویم سر این تپه.
		۲	male	(78) ʔešma kała male?	شما کجا دارید می‌روید؟
		۳	malān	(79) ʔešān kała malān?	آنها کجا دارند می‌روند؟
امر	مفرد	۲	bəla		
	جمع	۲	bəle		
گذشته	مفرد	۱	lwāym	(80) ʔamən lwāym.	من رفتم.
		۲	lwāyt	(81) ʔozera kała lwāyt?	دیروز کجا رفتی؟
		۳	lwā	(82) ʔed lwā.	او رفت.
	جمع	۱		lwāymān	
		۲		lwāytān	
		۳		lwāyšān	

بیرون رفتن

	شخص (مفرد)			برابرنهاد فارسی
حال	۱	mabarši	(83) mogō barši.	بیرون خواهیم رفت.
گذشته	۱	baršāym		بیرون رفتیم.

برگشتن

	شخص (مفرد)			برابرنهاد فارسی
حال	۱		ʔ ¹ orgel ² i	بر خواهیم گشت.
گذشته	۱		ʔorgelāy (اگر اشتباه نباشد)	برگشتم.

^۱ در گورانی هورامی، این فعل به جای /ʔ/ با /h/ آغاز می‌گردد. (م)

^۲ در گورانی هورامی به جای /h/ از /h/ استفاده می‌شود. (م)

ماندن				
	شخص (مفرد)			برابرنهاد فارسی
حال	۱	mamāni	(84) nəmamāni.	نخواهم ماند.
	۲	mamāni	(85) čand řōyače čendā mamāni?	چند روز دیگر اینجا خواهی ماند؟
	۳	mamānō	(86) řed mogō bomānō.	او خواهد ماند.
امر	۲	bəməna		
گذشته	۱	mandim	(87) řamən hāft řōya čə řār mandim.	هفته‌ای در شهر (موصل) ماندم.
	۲	mandit	(88) čəkała mandit?	کجا ماندی؟
	۳	mand ²	(89) ři řādama sāle ¹ čə řorāq řorāq mandō.	این آدم یک سال در عراق ماند.
			(90) čadmā ³ mandō.	جا ماند.
		(91) řit ⁴ mandō.	لخت باقی ماند.	

۲.۴ گذرا

انداختن ^۵				
	شخص (مفرد)			برابرنهاد فارسی
حال	۱	mōrni	(92) mogō warniš.	او را (پایین) خواهم انداخت.

^۱ در گورانی هورامی از /sāla= سال/ و /sālew= سالی، یک سال/ استفاده می‌شود. (م)

^۲ در گورانی هورامی، /d/ آن حذف می‌گردد. (م)

^۳ در گورانی هورامی از /čā(gaw)d/dmāy/ بعد از آن/ استفاده می‌شود. (م)

^۴ در گورانی هورامی /řut/ برهنه، لخت، عریان/ به کار می‌رود. (م)

^۵ برابرنهاد این مصدر در گورانی هورامی، /v/wəs(s)ay/= انداختن/، /řānāy/= پرتاب کردن/ و /fəř dāy/ پرت کردن/ است. (م)

	۲	mōrni	(93) matāwi warniš?	می‌توانی آن را بیندازی [پرتاب کنی]؟
	۳	mōrnō	¹ (1) qasāb pazi pazi kārd mōrnō.	قصاب گوسفند را سر می‌برد.
گذشته	۱	warnā-m	(94) mayəṃ kārd warnā.	گوسفندی را سر بریدم.
			(95) ʔi kamar ² am warnā.	این سنگ را انداختم.

آوردن				
	شخص (مفرد)			برابرنهاد فارسی
حال	۱	māri	³ (3) ʔamən māriš čəni hem.	من او را همراه خودم خواهم آورد.
	۲	māri		
	۳	mārō		
امر	۲	bāra	(96) ʔunay bāra.	آن را بیاور!
			⁴ (13) ʔi zalāmay čəni het bāra.	این مرد را همراه خودت بیاور!
گذشته	۱	ʔāword-m	(97) ʔamən qāsəm ⁵ čəni hem ʔāword.	قاسم را با خودم آوردم.
			۲	--- -t

¹ منظور جمله شماره ۱ است که پیشتر آمده است. (م)

^۲ برابرنهاد گورانی هورامی آن، /tav/wāni/ است. /kam(m)ar/ به معنی «سنگ بزرگ، کوهی نسبتاً بزرگ که صعب‌العبور نیست» است. (م)

^۳ منظور جمله شماره ۳ است که پیشتر آمده است. (م)

^۴ منظور جمله شماره ۱۳ است که پیشتر آمده است. (م)

^۵ منظور منبع اطلاعاتی نگارنده یعنی قاسم رشید است هر چند که می‌تواند هر قاسم‌نامی یا هر نام دیگری نیز باشد. (م)

بردن				
	شخص (مفرد)			برابرنهاد فارسی
حال	۱	mabari	(99) mogō bariš.	آن را خواهم برد.
			(100) nəməbariš.	آن را نخواهم برد.
گذشته	۱	bard-m ¹	(101) bardəm yāna.	آن را به خانه بردم.

بریدن						
	شخص (مفرد)			برابرنهاد فارسی		
حال	۱	mabəři	(101) mogō ʔi qāqat ² a bəbři. bəbři.	این کاغذ را خواهم برید.		
			۲	mabəři	(103) maqayad ³ maqayad ³ ba dasti het nabəři.	مواظب باش دست خودت را نبری.
					۳	mabəřō
گذشته	۱	bəři-m	(105) kələk ⁵ əm kələk ⁵ əm bəřim.	انگشتم را بریدم.		

توانستن				
	شخص (مفرد)			برابرنهاد فارسی
	۱	matāw ¹ i	(106) nəmatāwi	نمی توانی بخوانی

¹ باید /bard-əm/ باشد، همانگونه که در جملهٔ مثال آمده است. (م)

² برابرنهاد گورانی هورامی آن، /qāqaz/، /qāqaz/ یا /kāqaz/ است. (م)

³ /maqayad/ = مواظب /واموازه‌ای عربی است. برابرنهاد گورانی آن، /v/wəryā/ = مواظب، مراقب، آگاه / است. (م)

⁴ برابرنهاد گورانی هورامی آن، /dəwārdi/ = قیچی / است. (م)

⁵ برابرنهاد آن در گورانی هورامی، /kə/olka/ = انگشت / یا /gə/olka/ = انگشت / است. (م)

حال			bowāni.	۱. [درس بخوانی]. ^۱
	۲	matāwi	(107) ?aǰa ³ nəmatāwi? ⁴	چرا نمی توانی؟
			(108) matāwi bowāni?	می توانی بخوانی (درس بخوانی)؟
	۳	matāwō	(109) matāwō bə šabaki qəsa karō.	او نمی تواند شبکی صحبت کند.
گذشته	۱	tāwi ⁵ -m	(110) pār ?amən natāwim, ?esāl matāwi.	پارسال نمی- توانستم، امسال می توانم.

خواستن ^۶				
	شخص (مفرد)			برابرنهاد فارسی
حال	۱	mogōm	(111) mogōm bəzāni.	می خواهم بدانم.
	۲	mogōt	(112) nəmagōt bəzāni?	نمی خواهی بدانی؟
	۳	mogōš	(113) mogōš bəzānō bə zwāni ⁷ šabaki.	او می خواهد شبکی بداند.
گذشته	۱	gyā-m	(114) ?amən	من نمی خواهم این

^۲ در برخی از گونه های گورانی هورامی به جای /w/، از /v/ استفاده می شود. (م)

^۱ در زبان گورانی برابرنهاد «خواندن (قرائت کردن)»، /wā/anāyv/wa/ و «درس خواندن، تحصیل کردن»، /wā/anāy/ است. (م)

^۳ در گورانی هورامی، /či/، /pač/، /pač/ به معنی «چرا، برای چه» به کار می رود. (م)

^۴ علامت سؤال نیامده است. (م)

^۵ در گورانی هورامی به جای /ā/، /ī/ به کار می رود. (م)

^۶ برابرنهاد این مصدر در گورانی هورامی، به صورت /garak/ =خواست، تصمیم، قصد، خیال/ یا /xəyāl/ =خواست، تصمیم، قصد، خیال/ به اضافه «پایانه شخصی» بازنمایی می شود. برای نمونه: /garak/xəyālmā/ =می خواهم، قصد/ تصمیم/ خیال دارم. (م)

^۷ این ساخت ناشی از تأثیر کردی بر باجلاتی است. در زبان گورانی دو ساخت اضافه وجود دارند: (۱) اضافه اسمی که در آن اسمی به اسم دیگری اضافه می شود. در این ساخت، اسم نخست بسته به آوای پایانی آن، اگر آوای پایانی همخوان باشد، /-u/، و اگر واکه باشد، /-w/ می گیرد. (۲) اضافه صفتی که در آن صفتی به اسمی اضافه می شود. در این ساخت، اسم نخست (موصوف) بسته به آوای پایانی آن، اگر همخوان باشد، /-i/، و اگر واکه باشد، /-y/ می گیرد. به بیانی دیگر، در زبان گورانی برای هر کدام از این دو ساخت، نشانگر ویژه وجود دارد در حالی که در کردی برای هر دو ساخت، بسته به آوای پایانی اسم نخست، تنها از یک نشانگر یعنی /-(y)-i/ استفاده می شود. «زبان شبکی» اضافه ای اسمی است، بنابراین، ساخت درست آن، /Zwānu šabaki/ =شبکی/ است. (م)

		ge-m	nagyām ʔi kār ¹ a bō ʔamən nagem ...	اتفاق بیفتد.
	۳	gyā-š	(115) ʔed gyāš ʔi kāra karō.	او می خواهد این کار را انجام دهد.

خواندن				
حال	شخص (مفرد)			برابرنهاد فارسی
	۱	mowāni	(116) ʔamən ʔi qāqata mogō bowāniš.	این کاغذ را خواهم خواند.
	۲	mowāni	(117) ʔatu matāwi bowāni?	می توانی بخوانی؟
	۳	mowānō	(118) ʔed ² kətāb mowānō.	او دارد کتاب می - خواند.
گذشته	۱	wānd-m ³	(119) wānd- əm.	آن را خواندم.

خوردن					
		شخص		برابرنهاد فارسی	
حال	مفرد	۱	mōri	(120) ʔamən čāy nēmōri.	من چای نخواهم نوشید.
		۲	mōri ⁵	(121) ʔatu češ mōri? ⁴	تو داری چه چیزی می -

¹ در گورانی هورامی واژه /harmāna/ کار/ نیز به کار می رود. (م)

² به جای /ʔed/ = او/ /ʔet/ آمده است. (م)

³ باید /wānd-əm/ باشد، همانگونه که در جمله مثال آمده است. (م)

⁴ علامت سؤال نیامده است. (م)

⁵ در زبان گورانی بسته به گویش از /wari/، /mawari/ و /məwari/ استفاده می شود. تبدیل /aw/ (?)/ به /ō/ در زبان گورانی فرایندی معمول و رایج

است. مانند: /hawrāmān/hōrāmān/ = هورامان /، /gawra/gōra/ = بزرگ /، /hawr/hōr/ = ابر /، /gawrān/gōrān/ = گوران /، ... (م)

					خوری؟			
				(122) ʔaʃa nəmōri?	چرا نمی خوری؟			
				(123) ʔagar nōri mapekɪt ¹ .	اگر نخوری، تو را خواهیم زد.			
				۳	mōrō	(124) ʔe ^d čāy mōrō.	او دارد چای می نوشد.	
				جمع	۱	mōrme	(125) ʔema čāy mōrme.	ما چای می نوشیم.
					۲	mōre	(126) ʔešma češ mōre?	شما دارید چه چیزی می خورید؟
۳	mōrān							
امر	مفرد	۲	bōra	(127) fērā nōra.	زیاد نخور!			
	جمع	۲	bōre	(128) čāy bōre.	چای بنوش!			
گذشته	مفرد	۱	wārd ² -m ³ m ³	(129) nānəm wārd.	من نان خوردم.			
				(130) serəm wārd.	سیر خوردم.			
		۲	wārd-t ⁴	(131) češət wārd?	چه چیزی خوردی؟			
		۳	wārd-š ⁵	(132) češəš wārd?	چه چیزی خوردی؟			

¹ در گورانی هورامی، /pekāy/ به معنی «زدن (نشانه)» است و برای «زدن (تنبیه)» از /koštay/ یا /dāy v/wana/ استفاده می شود. مصدر دوم یعنی

یعنی /dāy v/wana/ به معنی «زدن به» نیز است. (م)

² در گورانی هورامی به جای /d/، /d̄/ به کار می رود. (م)

³ باید /wārd-əm/ باشد، همانگونه که در جمله مثال آمده است. (م)

⁴ باید /wārd-ət/ باشد، همانگونه که در جمله مثال آمده است. (م)

⁵ باید /wārd-əš/ باشد، همانگونه که در جمله مثال آمده است. (م)

	جمع	۱	wārd-mān	(133) sermā wārd.	سیر خوردیم.
		۲	wārd-tān	(134) sertā wārd?	سیر خوردید؟

داشتن ^۱					
	شخص (مفرد)			برابرنهاد فارسی	
حال	۱	dāri ²	(135) hič kār nadāri.	هیچ کاری ندارم.	
			(136) ʔamən hā ³ ʔəkke dāri.	من تنها یکی دارم.	
	۲	dāri ⁵	(137) čand ʔāwela ⁴ dāri? dāri?	چند فرزند داری؟	
			(138) ʔatu čanda kətāba dāri?	چند کتاب داری؟	
			(139) čə kāra dāri?	کارت [شغلت] چیست؟	
	۳	dārō ⁶	(140) čə kāra dārō?	کارش [شغلش] چیست؟	

برداشتن^۷

^۱ برابرنهاد این مصدر در گورانی هورامی، /bəyay/ = داشتن، بودن، شدن / است. (م)

^۲ برابرنهاد آن در گورانی هورامی، /hanəm/ = دارم / است. (م)

^۳ برابرنهاد گورانی هورامی آن، /h/har/ = تنها، فقط / یا /tanyā/ = تنها، فقط / است. (م)

^۴ برابرنهاد «بچه، فرزند» در گورانی هورامی، /zār/ō(īa) / یا /ʔawlād/ / است. (م)

^۵ برابرنهاد آن در گورانی هورامی، /hanət/ = داری / است. (م)

^۶ برابرنهاد گورانی هورامی آن، /hanəḏ/ = دارد / است. (م)

^۷ برابرنهاد این مصدر در گورانی هورامی، /horgərtay/ = برداشتن /، /barz kardayv/wa/ = بلند کردن / و /hordārāy/ = بالا دادن، بلند کردن، بالا نگه

داشتن / است. (م)

	شخص (مفرد)			برابرنهاد فارسی
حال	۱	modāri	(141) mogō ʔodāriš.	آن را بلند خواهم کرد.
	۲	modāri		
	۳	modārō	(142) ʔed matāwō ʔi mezay ʔodārō.	او می‌تواند این میز را بلند کند.
امر	۲	ʔodāra	(143) ʔi meza ʔodāra (barz kara).	این میز را بلند کن!
گذشته	۱	ʔodārt-m ¹	(144) ʔodārtəm.	آن را بلند کردم.

دانستن					
		شخص		برابرنهاد فارسی	
حال	مفرد	۱	mazāni	(145) nəmazāni bāčī ² .	نمی‌دانم آن را بگویم.
				(146) mogōm bəzāni.	می‌خواهم بدانم.
		۲	mazāni		
		۳	mazānō	(147) hamrāt mogōš bəzānō bə zwāni šabaki.	دوستت می‌خواهد شبکی بداند.
	جمع	۱	mazānme		
		۲	mazāne		
		۳	mazānān	(148) hič nəmazānān.	آنها هیچ چیزی

¹ باید /ʔodārt-əm/ باشد، همانگونه که در جمله مثال آمده است. (م)

² در زبان گورانی بسته به گویش از /wāčū/=بویم/ و /əv/wāčū/=بویم/ نیز استفاده می‌شود. (م)

					نمی‌دانند.
امر	مفرد	۲	bəzāna		
گذشته	مفرد	۱	zāni-m	(149) ʔamən ʔi šəklam zāni.	من به این روش آن را دانستم.
دیدن ^۱					
	شخص (مفرد)				برابرنهاد فارسی
حال	۱	mati ²	(150) sāra yānat mati/mogō bəti.		فردا خانهات را خواهم دید.
	۲	mati ³	(151) hōrəm mati.		خواب خواهی دید.
	۳	matō ⁴			
امر	۲	bəta ⁵			
گذشته	۱	tit-m ⁷	(152) ʔamən zəlām ⁶ əm tit.		مردی را دیدم.
			(153) hōrməm tit.		خواب دیدم.
			(154) ʔozera hōz ⁸ tān titəm. titəm.		دیروز روستایتان را دیدم.
	۲	tit-t ⁹	(155) bə hōrmō čəšət titō?		خواب چه چیزی را دیدید؟ [در مورد چه چیزی خواب

^۱ برابرنهاد این مصدر در گورانی هورامی، /dəyay/ یا /wināy/ است. (م)

^۲ برابرنهاد آن در گورانی هورامی، /v/winu/ می‌بینم/ یا /ma/əv/winu/ می‌بینم/ است. (م)

^۳ برابرنهاد گورانی هورامی آن، /v/wini/ می‌بینی/ یا /ma/əv/wini/ می‌بینی/ است. (م)

^۴ برابرنهاد آن در گورانی هورامی، /v/winō/ می‌بیند/ یا /ma/əv/winō/ می‌بیند/ است. (م)

^۵ برابرنهاد گورانی هورامی آن، /v/wina, bo/əv/wina/ =v/wina/ «بین» یا /bə(ɖ)ya/ =bēn/ «نگاه کن» است. (م)

^۶ در جاهای دیگر مقاله به صورت /zalām/ «مرد/ آمده است. مانند: جملات شماره ۹، ۱۳، ۱۷۰ و ۱۸۳. در گویش‌های دیگر زبان گورانی واژه /pəyā/ با همین معنی کاربرد دارد. در کردی از /merd/ استفاده می‌شود که همان /mard/ فارسی است. (م)

^۷ برابرنهاد آن در گورانی هورامی، /dim/ دیدم/ یا /v/winām/ =v/winām/ دیدم/ است. همچنین، باید /tit-əm/ باشد، همانگونه که در جمله مثال آمده است. (م)

^۸ /hōz/ در گورانی هورامی به معنی «طایفه» است. برابرنهاد «روستا» در گورانی هورامی، /dagā/ یا /ʔāv/wāyi/ است. (م)

^۹ برابرنهاد آن در گورانی هورامی، /dit/ دیدی/ یا /v/wināt/ =v/wināt/ دیدی/ است. همچنین، باید /tit-ət/ باشد، همانگونه که در جمله مثال آمده است. (م)

				دیدی؟
--	--	--	--	-------

زَدَن					
		شخص		برابرنهاد فارسی	
حال	مفرد	۱	mapeki	(156) mogō pekit.	تو را خواهم زد.
				¹ (123) ʔagar ʔagar nōri mapekit.	اگر نخوری، تو را خواهم زد.
امر	مفرد	۲	peka	(157) ʔi koʔay peka.	این پسر را بزن!
گذشته	مفرد	۱	pekā-m	(158) ʔamən pekām.	او را زدم.
		۳	pekā-š	(159) ʔed/ʔaw ʔamənəš pekā.	من را زد.
	جمع	۳	pekā-šān	(160) pekāšā naram.	من را زدند.

کَتَنک زَدَن ^۲				
	شخص (جمع)			برابرنهاد فارسی
حال	۱	makōyme ^۳	(161) makōymeš.	او را می‌کوبیم [کتک می‌زنیم].
گذشته	۱	kōyā-mān ^۴	(162) kōyāmā.	او را کوبیدیم [کتک زدیم].

^۱ منظور شماره ۱۲۳ است که پیشتر آمده است. (م)

^۲ برابرنهاد این مصدر در گورانی هورامی، /kov/wāy/ = کوبیدن (کتک زدن) است. (م)

^۳ برابرنهاد آن در گورانی هورامی، /kōme/ = می‌کوبیم (کتک می‌زنیم) / یا /makōme/ = می‌کوبیم (کتک می‌زنیم) است. (م)

^۴ برابرنهاد گورانی هورامی آن، /kov/wāmā/ = کوبیدیم (کتک زدیم) است. (م)

شستن ^۱				
	شخص (مفرد)			برابرنهاد فارسی
حال	۱	mašōri	(163) ʔamən mogō dazgaləm bəšōri.	دستهایم را خواهیم شست.
گذشته	۱	šošt-m ^۲	(164) sara hem šoštəm.	سر خودم را شستم (حمام کردم).
کامل	۱		(165) šoštānəm.	شسته‌ام.

کردن					
		شخص		برابرنهاد فارسی	
حال	مفرد	۱	makari	(166) yāzmiž makari. ^۳	دارم می‌نویسم.
				(167) hič nəmakari.	هیچ کاری نمی‌کنم [در حال انجام هیچ کاری نیستم].
		۲	makari	(168) češ makari?	داری چکار می‌کنی؟ [در حال انجام چه کاری هستی؟]

^۱ برابرنهاد این مصدر در گورانی هورامی، /šətaɪ/ یا /šōrtay/ است. (م)

^۲ برابرنهاد گورانی هورامی آن، /šətəm/ = شستم/ یا /šōrtəm/ = شستم/ است. همچنین، باید /šošt-əm/ باشد، همانگونه که در جمله مثال آمده است.

(م)

^۳ برابرنهاد «نوشتن» در گورانی هورامی، /nəv/wis(t)ay/ است. (م)

		۳	makarō	(169) ʔe ^d češ makarō?	او دارد چکار می‌کند؟ او در حال انجام چه کاری است؟	
				(170) ʔi zalāma čə kāra makarō?	این مرد چکار می‌کند؟ [چکاره است؟]	
		جمع	۱	makarme	(171) češ bəkarme?	چکار کنیم؟
			۲	makare	(172) češ makare?	چکار می‌کنید؟ [در حال انجام چه کاری هستید؟]
			۳	makarān	(173) ʔešān češ makarān?	آنها چکار می- کنند؟ [در حال انجام چه کاری هستند؟]
		امر	مفرد	۲	kara	(174) čə ʔedi pəsyār ¹ pəsyār ¹ kara!
(175) ʔi kāra kara!	این کار را بکن [انجام بده!]					
جمع	۲		kare			
گذشته	مفرد	۱	kard-m ²	(176) qāqatəm yāzmiz kard.	نامه‌ای نوشتم.	
کامل	مفرد	۱		(177) malāim nakardan. ³	درس نخوانده‌ام	

¹ برابر نهاد درست آن در زبان گورانی، /pars/ = پرسش، درخواست/ است. روشن است که /pəsyār/ ناشی از تأثیر «pərsyār» است که در کردی به کار

می‌رود. (م)

² باید /kard-əm/ باشد، همانگونه که در جمله مثال آمده است. همچنین، در گورانی هورامی به جای /d/ /d/ به کار می‌رود. (م)

³ این جمله در گورانی هورامی به معنی «ملائی نکرده‌ام (شغل ملائی نداشته‌ام)» است. (م)

					(با معلم مَلا).
--	--	--	--	--	-----------------

باز کردن ^۱					
	شخص (مفرد)				برابرنهاد فارسی
حال	۱	mōkari	(178) ?i band ² a mōkari mōkari		این گره را باز خواهم کرد.
گذشته	۱	?ōkard-m ³	(179) ?ōkardəm		آن را باز کردم.

جرأت کردن ^۴					
	شخص (مفرد)				برابرنهاد فارسی
حال	۱	mayāri	⁵ (205) nəmayāri bəli.		جرأت نمی‌کنم بروم.
	۳	mayārō	⁶ (210) nəmayārō bəlō.		جرأت نمی‌کند برود.

کشتن					
	شخص (مفرد)				برابرنهاد فارسی
حال	۱	mokši	(180) mogō ?edi bokšiš.		او را خواهم کشت.
			(181) ?amən ?inay mokši.		من او را خواهم کشت.
امر	۲	bokša	(182) naʃ, nakšaš.		نه، او را نکش.

^۱ برابرنهاد این مصدر در گورانی هورامی، /kardayv/wa/ یا /karday/v/wāz karday/ است. (م)

^۲ برابرنهاد گورانی هورامی آن، /lōka/ = گره/ است. (م)

^۳ باید /?ōkard-əm/ باشد، همانگونه که در جمله مثال آمده است، همچنین، در گورانی هورامی به جای /d/، /d̄/ به کار می‌رود. (م)

^۴ برابرنهاد این مصدر در گورانی هورامی علاوه بر /yārāy/ = جرأت کردن، /zāt bayay/ = جرأت کردن/ نیز است. (م)

^۵ منظور شماره ۲۰۵ است که در ادامه می‌آید. (م)

^۶ منظور شماره ۲۱۰ است که در ادامه می‌آید. (م)

گذشته	۱	košt-m ²	(183) ?amən duwa zalāmam ¹ košt. košt.	دو مرد را کشتم.
-------	---	---------------------	--	-----------------

گفتن					
		شخص		برابرنهاد فارسی	
حال	مفرد	۱	māči	(184) ?amən mogō bāči banat ³ .	چیزی را به شما خواهم گفت.
		۲	māči	(185) češ māči?	چه چیزی می- گویید؟
		۳	māčō	(186) ?ed māčō/mogō bāčō.	او می گوید، او خواهد گفت.
	جمع	۱	māčme	(187) ?ema bena māčme.	ما آن را این گونه می گوییم.
		۲	māče	(188) ?ešma češ māče?	چه چیزی می- گویید؟
		۳	māčān	(189) č ⁴ ?ākra bena māčān.	در آکره آنها آن را این گونه می گویند.
امر	مفرد	۲	bāča ⁵	(190) bāča banašān!	به آنها بگو!
گذشته	مفرد	۱	w ⁶ āt-m ⁷	(191) ?amən wātəm banaš.	به او گفتم.

¹ به نظر می‌رسد باید /zalāməm/ باشد. (م)

² باید /košt-əm/ باشد، همانگونه که در جمله مثال آمده است. (م)

³ برابرنهاد آن در گورانی هورامی با /p/ آغاز می‌شود یعنی /panat/ = به تول. (م)

⁴ در زبان گورانی بسته به گویش از /ā=ā/، در /ā=ā/، در /ā=ā/، در /ā=ā/، در /ā=ā/، در /ā=ā/ نیز استفاده می‌شود. (م)

⁵ در گورانی هورامی، /v=wāčā/ = بگو / یا /v=wāčā/ = بگو / به کار می‌رود. (م)

⁶ در برخی از گونه‌های گورانی هورامی به جای /w/ از /v/ نیز استفاده می‌شود. (م)

⁷ باید /wāt-əm/ باشد، همانگونه که در جمله مثال آمده است. (م)

		۲	wāt-t ¹	(192) ?atu češət wāt banašān?	چه چیزی به آنها گفتی؟
--	--	---	--------------------	-------------------------------------	--------------------------

نهادن ^۲					
برابرنهاد فارسی		شخص (مفرد)			
		۱	marni		حال
آن را روی میز بگذار!		۲	?arna	(193) ?arnaš sar mezi!	امر
آن را پایین گذاشتم.		۱	?arnā-m	(194) ?arnāməš.	گذشته

۳.۴ سببی^۳

برخیزاندن ^۴ (با شماره ۶۲ در بالا مقایسه شود)					
برابرنهاد فارسی		شخص (مفرد)			
چرا نباید تو را بیدار کنم [تو را برخیزانم/ بلند کنم]؟		۱	morzni	(195) ?aĵa norznit?	حال
				(196) ?amən mogō ?orzniš.	
او را بیدار خواهم کرد [بر خواهم خیزاند/ بلند خواهم کرد].		۲	morzni		

^۱ باید /wāt-ət/ باشد، همانگونه که در جمله مثال آمده است. (م)

^۲ در گورانی هورامی، /nəyāy/ نهادن، قرار دادن، گذاشتن/ و /nəyāyra/ پایین نهادن/ گذاشتن/ قرار دادن/ به کار می‌روند. (م)

^۳ causative

^۴ برابرنهاد این مصدر در گورانی هورامی، /hor(?)eznāy(v/wa)/ است که به معنی «بیدار کردن، بلند کردن» نیز است. همانگونه که پیشتر نیز اشاره شد (برای نمونه، در مورد برابرنهاد گورانی هورامی مصدر «برگشتن» گورانی باجلاتی)، /?/ گورانی باجلاتی در گورانی هورامی به /h/ تبدیل می‌شود، همان طور که در مورد این فعل هم این تبدیل رخ داده است. پیشوند فعلی /hor-/ در زبان گورانی به معنی «بالا، به سمت بالا» است. افزون بر این، /hāy / kardayv/wa/ نیز مشخصاً به معنی «بیدار کردن» است. بنابراین، می‌توان گفت /hāy bəyayv/wa/ و /hor(?)esay(v/w)/ به ترتیب برابرنهاد /wake up/ و /get up/ در انگلیسی هستند و /hāy kardayv/wa/ و /hor(?)eznāy(v/wa)/ به ترتیب برابرنهاد /cause to wake up/ و /cause to get up/ در انگلیسی. (م)

	۳	morznō	(197) ?u mezay morznō?	او دارد آن میز را بلند می کند.
امر	۲	?orzna	(198) norznam!	من را بیدار نکن [برنخیزان/ بلند نکن!]
			(199) ?orznaš!	او را بیدار کن [برخیزان/ بلند کن!]
گذشته	۱	?orznā-m	(200) ?orznāmāš.	او را بیدار کردم [بر خیزاندم/ بلند کردم].
	۲	?orznā-t	(201) ?atu ?orznāt?	او را بیدار کردی [بر خیزاندی/ بلند کردی]؟

۴.۴ مجهول^۱

خورده شدن (با شماره ۱۲۰ در بالا مقایسه شود)				
	شخص (مفرد)			برابرنهاد فارسی
حال	۱	mōrəni	(202) ?amən nəmōrəni.	من نمی توانم خورده شوم.
			(203) nəmay-n wārda.	من نمی توانم خورده شوم.
	۳	mōryō	(204) ?i gōšta ^۲ nəməryō/nəmərənyō.	این گوشت غیر قابل خوردن است [این گوشت خورده نمی شود].
mōrənyō				

^۱ روش معمول ساخت مجهول در زبان گورانی، افزودن تکواژهای /-ya-/، در زمان حال، و /-yā-/، در زمان گذشته، به ستاک حال فعل است. (م)

^۲ در گورانی هورامی، واژه gōžd/ گوشت/ نیز به کار می رود. (م)

زده شدن ^۱ (با شماره ۱۵۶ در بالا مقایسه شود)					
		شخص			برابرنهاد فارسی
حال	مفرد	۱	marekəni	(205) ʔamən nəmayāri bəli, marekəni.	جرأت نمی-کنم بیرون بروم، زده خواهم شد.
گذشته	مفرد	۱	pekyāym		زده شدم.
	جمع	۱	pekyāyme		زده شدیم.
	همچنین				
	مفرد	۱		(206) ʔāmāym nə pekā.	زده شدم.
	جمع	۱		(207) ʔāmāyme nə pekā.	زده شدیم.

کشته شدن (با شماره ۱۸۰ در بالا مقایسه شود)					
		شخص			برابرنهاد فارسی
حال	مفرد	۱	makšəni	(208) nəmali, makšəni.	نمی‌روم، کشته خواهم شد.
		۲	makšəni	(209) naki ^۲ bəli bəli tarā makšəni.	نرو مبادا کشته شوی.
		۳	makšənyō	(210) nəmayārō bəlō, makšənyō.	او جرأت نمی-کند برود، او کشته خواهد شد.

^۱ برابرنهاد این مصدر در گورانی هورامی، /pekyāy/ است که به معنی «مجروح/ زخمی شدن (در درگیری مسلحانه)» نیز است. (م)

^۲ در گورانی هورامی از واژه /nakāy/ = مبادا، نکند/ به کار می‌رود. (م)

	جمع	۱	makšənme			
		۲	makšənye			
		۳	makšənyān			
گذشته	مفرد	۳	košyā	(211) bābōm/bāwōm košyā.	پدرم کشته شد.	
	جمع	۳	košyā(e)	(212) fəṛā/duwa zalāma košyā(e).	مردان بسیاری / دو مرد کشته شدند.	
				(213) qāti ¹ duwa duwa ʃaširatay fəṛā ² zalām košyā čə har duwa lāe.	در بین دو طایفه مردان بسیاری از هر دو طرف کشته شدند.	
	همچنین					
	جمع	۳		(214) ʔed ʔāmā na košta.	او کشته شد.	
جمع	۳		(215) ʔešāngala ʔāmāye na košta.	آنها کشته شدند.		

۵. جملات

جمله	برابرنهاد فارسی
(216) waxt naramā lwā.	دیر است.
(217) waxt narašā lwā.	آنها هیچ وقت نداشتند.
(218) kořam čānam lwā.	پسرم ترکم کرد.

^۱ در گورانی هورامی واژه baynu/ = (در) بین/ به کار می‌رود. (م)

^۲ واژه /fiṛā/ به کار رفته است در حالی که در بقیه مقاله واژه /fəṛā/ = فراوان، بسیار/ آمده است. همچنین، در دیگر گویش‌های زبان گورانی همچون گویش گویش (گورانی) ادبی از واژه‌های /fəṛa/، /fəṛāwān/ و /xayle/ با همین معنی استفاده می‌شود. (م)

(219) ?arā ¹ m bāraš!	آن را برایم بیاور!
(220) xāstaran.	بهتر است.
(221) ?i təšta ča gəšti xāstaran.	این چیز از همه بهتر است.
(222) ?i qāčia qāqatbəřen.	این قیچی برای بریدن کاغذ است [این قیچی کاغذبُر است].
(223) bō ?indā dā ² bāci banat, bəla bāča banaš, češ māčō bō bāča banam.	بیا اینجا تا به تو بگویم، برو به او بگو، (سپس) بیا به من بگو آنچه او می گوید.
(224) hōzmān ?ārpači ħata ³ haštā yāne mayō. duwa sa yāneš faraban, qalāniš gəšt šabakan. šaširatmān bajlānan, yā māčme bejwānan. gəštmān tābəfi ?ayanme. ?ema sənnianme.	روستای ما، آرپیچی، بالغ بر ۸۰ خانواده است. دو یا سه خانواده اش عرب هستند، بقیه اش همه شبک هستند. طایفه ما باجلان است، یا بچوان که ما می گوئیم. همه ما متعلق به طایفه طی هستیم. ما سنی هستیم.
(225) mogō ?i zəmia bəkāli. mogō bəli šōm bəřāni xarta.	این زمین را شخم خواهیم زد. خواهیم رفت و اولین شیار [در اثر شخم زدن زمین] را برای نخستین بار ایجاد می کنیم.
hō dmāš dəgwāsən makari.	پس از آن دومین شخم را انجام خواهیم داد [برای دومین بار شخم خواهیم زد].
?istā lāt məbəři. dēmāne ⁴ tōm makari. xayla sawzō bi, ħəškō ⁵ bi.	اکنون کرت ها را جدا می کنیم [کرت بندی می کنیم]. بعد از آن، بذر می پاشم. محصول [گندم] سبز شده است (سپس) خشک شده است.
sāra mogō barši dəraw. dəraw makarme bə dāra ⁶ w qaynāx ⁷ .	فردا برای درو بیرون خواهیم رفت [به درو خواهیم رفت]. با داس و انگشت پوش آهنی درو می کنیم.
makarmeš bə t̄aya. dēmāne mārmeš yāna bə šaxara ⁸ .	آن را توده [خرمن] می کنیم. پس از آن، با قاب [چارچوبه] های چوبی (بر روی خَر [با خرا]) آن را به خانه می آوریم.

¹ در زبان گورانی از /pay/ و /pare/ به معنی «برای» استفاده می شود. /?arā/ = برای / در کلهری (گورانی همگون شده با فارسی و به اصطلاح کردی) به

صورت /?arā/ به کار می رود. (م)

² در گورانی هورامی از /ta/ = (ha)tā/ استفاده می شود. (م)

³ در گورانی هورامی، /ta/ = (ha)tā/، به /به کار می رود. (م)

⁴ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /?ānaya/ = dēmāw (؟) پس از آن، سپس / است. (م)

⁵ در گورانی هورامی از /wəšk/ = خُشک / استفاده می شود. (م)

⁶ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /dāre/ = داس / است. (م)

⁷ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /dasav/wāna, daskeš/ = دستکش / و جمع آن، /dasav/wāne, daskeše/ است. (م)

⁸ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /sav/wa(ta)/ = قاب / چارچوبه چوبی / و جمع آن، /sav/we, sav/wate/ است. (م)

mārmeš xarmān. makōymeš bə janjař.	آن را به زمین خرمن کوبی می‌آوریم. آن را با ماشین خرمن کوب [غله پاک‌کنی] (با تیغه‌های چرخان) می‌کوبیم.
wāš makarme bə yāba ² . kāš ³ malō. ganəm mārme yāna. mabarmeš makina ʔaw hasāw ⁴ . makarmeš bə ʔārd ⁵ . wārda ⁶ mān čə ʔinayan. ʔema nān mōrme, hōrda mōrme, tařāti ⁷ mōrme u šəft ⁸ u māst u čāy u ʔi təštɡala.	با چنگک چوبی آن را باد می‌دهیم. ^۱ کاهش می‌رود [جدا می‌شود]. دانه گندم را به خانه می‌آوریم. آن را به ماشین [دستگاه] یا آسیاب می‌بریم. به آرد تبدیلش می‌کنیم. خوراک ما از اینها (موارد زیر) است. ما نان می‌خوریم، خورش [و تاس کباب] می‌خوریم، سبزیجات و شیر و ماست و چای و این جور چیزها را می‌خوریم.

۶. اعداد^۹

عدد	برابرنهاد فارسی	عدد	برابرنهاد فارسی
ʔəkke	۱	šāzda	۱۶
duwa	۲	havda	۱۷
sa	۳	hažda	۱۸

^۱ به این عمل در گورانی هورامی، /šana, šan karday/ گفته می‌شود. (م)

^۲ برابرنهاد آن در گورانی هورامی، /šana/ = چنگک باد دادن خرمن است. (م)

^۳ برابرنهاد گورانی هورامی آن، /səmarī/ = کاه است. شایان ذکر است که واژه /kā/ = کاه در ترکیبات نیز به کار می‌رود. مانند: /kādān/ = کاهدان و / w kōtāl = خوب و بد، بزرگ و کوچک، همه/ لازم به توضیح است که /kōtāl/ آن چیزی است که هنگام باد دادن خرمن گندم و غیره علاوه بر دانه کاه بر جای می‌ماند و زائد و غیر قابل استفاده است (پوشال). واژه /kutāl/ نیز به معنی «پارچه، قماش فروشی در بزازی‌ها یا در دست فروشندگان دوره‌گرد» وجود دارد. (م)

^۴ برابرنهاد آن در گورانی هورامی، /ʔāsāw/ = آسیاب است. همانگونه که پیشتر اشاره شده است، تبدیل /ʔ/ گورانی هورامی به /h/ در گورانی باجلانی، تبدیلی معمول است. (م)

^۵ برابرنهاد گورانی هورامی آن، /hārdi/ = آرد است. (م)

^۶ برابرنهاد آن در گورانی هورامی، /wārdamani/ = خوراک است. (م)

^۷ برابرنهاد گورانی هورامی آن، /sawzi/ = سبزی(جات) است. واژه /tař/ تَر، تازه تنها پیش از نام محصول به کار می‌رود. مانند: /tařapəyāz(i)/ پیاز(های) تر/ تازه. (م)

^۸ برابرنهاد آن در گورانی هورامی، /šōt/ = شیر است. واژه /šōt/ در گورانی هورامی و /šəft/ در گورانی باجلانی از مهم‌ترین شواهدی است برای استقلال و تمایز گورانی از کردی و تلقی آن به عنوان یک زبان ایرانی مستقل و متمایز که برخلاف کردی، که همچون فارسی از شاخه زبان‌های ایرانی غربی جنوبی است، جزو زبان‌های ایرانی شاخه غربی شمالی است. شایان ذکر است که برابرنهاد «شیر» در کردی، همچون فارسی، /šir/ است. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه می‌توان، برای نمونه، به «مکنزی (۱۴۰۱)»، «ریشه‌های کردی»، ترجمه، نقد و تصحیح: سیدمهدی سجادی، فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ مردم/ ایران، شماره ۷۰ «مراجعة نمود». (م)

^۹ برابرنهاد گورانی هورامی اعداد داخل این جدول به همان ترتیب به شرح زیر است: /yəv/wa, dəv/we, yare, čowār, panj, šəš, haf/wt, hašt, nō, da, yānza, dəv/wānza, senza, čowārda, pānza, šānza, havda, hažda, nōza, v/wis, si, čəl, panjā, šas, /haf/wtā, haštā, nawad, sad, hažar (م)

čwār	۴	nuzda	۱۹
panj	۵	bist	۲۰
šiš	۶	si	۳۰
hāft	۷	čəl	۴۰
hašt	۸	paynja	۵۰
nu	۹	šast	۶۰
da	۱۰	haftā	۷۰
yāzda	۱۱	haštā	۸۰
dwāzda	۱۲	nawad	۹۰
sezda	۱۳	say	۱۰۰
čwārda	۱۴	hazār	۱۰۰۰
pāzda	۱۵		

۷. واژگان

[واژگان] به ترتیب الفبایی و با در نظر گرفتن تنها همخوان ها مرتب شده [اند].

واژه	برابرنهاد فارسی	واژه	برابرنهاد فارسی	واژه	برابرنهاد فارسی
ʔārd	آرد	hastāra ^۲	ستاره	qāš ^۱	ابرو
ʔāsmān	آسمان	hasāw	آسیاب آبی	qaynāx	انگشت - پوش آهنی برای محافظت از انگشتان در برابر داس هنگام درو
ʔistā ^۴	اکنون، حالا	hawjār	خیش	ře ^۳	راه، جاده

^۱ برابرنهاد گورانی هورامی آن، /bārō/ است. (م)

^۲ برابرنهاد آن در گورانی هورامی، /has(s)āra/ است. (م)

^۳ برابرنهاد آن در گورانی هورامی، /īā/ است. /īe/ معمولاً در کردی به کار می‌رود. (م)

^۴ برابرنهاد گورانی هورامی آن، /ʔisa/ است. (م)

روز	řō	مادیان، ماده اسب/ قاطر/ خر	hawli ¹	آب	ʔāw ²
ریش	řiš	گرسنگی ^۳ ، گرسنه	hawrā	بچه، فرزند	ʔāwel
برهنه، لخت، عریان	řit	روستا	hōz	ابر	{[ʔ]awr ⁴
سبیل	səmbel ⁵	سوخت، [هیزم]	hezəm	آتش	ʔāwor ⁶
سگ	səpa ⁷	خشک	həšk	دیروز	ʔozera
سَر	sar ⁸	شتر	hoštor ⁹	پدر (با شمارهٔ ۲۱۱ مقایسه شود)	bābō
ابتدای ماه	sara māngi ¹⁰	جفت [دو تا] گاو نر	ǰəft	زمین	bil ¹¹
سیر، راضی	ser	شخم‌زن ^{۱۲}	ǰəftyār	بلوط	bali ¹³
فردا	sāra	ماشین خرمن کوب/ غله پوست- کنی	ǰanjār ¹⁴	یوغ	bōndrəq ¹⁵

۱ در گورانی هورامی، /māčaki= مادهٔ اسب/ قاطر/ خر و مانند آن/ و /hōlyar/ که کوتاه‌شدهٔ /hōli har= کُرّهٔ خر/ است، به کار می‌روند. (م)
۲ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /ʔāw/wi/ است. (م)
۳ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /ʔa/āwrāy(i)/ است. (م)
۴ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /hawr, hōr/ است. (م)
۵ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /səmel/ است که جمع آن، /səmete/ است. (م)
۶ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /ʔer, ʔayr/ است. (م)
۷ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /tuta/ است. همچنین، در گورانی هورامی از واژهٔ /səplōt/ هم با همین معنی و نیز به معنی «نجس» استفاده می‌شود که هجای نخست آن مانند برابر نهاد باجلایی واژهٔ «سگ» است. (م)
۸ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /sara/ است. (م)
۹ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /wəštər/ است. (م)
۱۰ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /saru mānge/ است. (م)
۱۱ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /zamin/ یا /bumi/ است. (م)
۱۲ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /hityār/kar/ است. /hita/ به معنی «شخم» است. (م)
۱۳ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /balu/ است. (م)
۱۴ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /kā/mpā/ است. (م)
۱۵ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /nela/ است. (م)

bērā	برادر	kā	گاه	sardāmi ¹	پشت(بام)
bəza	بُز	kō ²	آبی	sawz	سبز
čam	چشم	kō	کوه	syāw	سیاه
čarma	سفید	kələk	انگشت	šəft	شیر
dədān ⁴	دندان	kamar	سنگ	šōm ³	نخستین شخم زمین آیسی (کشت - نشده)
degma	دانه کوبیده/خرد/له/آردشده	kənāča ⁶	دختر	šamkōrək ⁵	خفاش
dəgwāsən	دومین شخم	kārd	چاقو	šār	شهرک
dākō ⁸	مادر	kořa ⁷	پسر	šaxara	قاب (چارچوبه) جویی برای بردن بار بزرگ با خَر
dam	دهان	lā	طرف، سو، سمت	tapā ⁹	تپه
dāra	داس	lič ¹⁰	لب	tařāti	سبزیجات
dārbi ¹¹	درخت بید	lāt	قطعه (زمین)	tašna	تشنه

¹ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /bān/ یا /saru bāni/ است. (م)

² برابر نهاد گورانی هورامی آن، /kav/wa, ʔāv/wi/ است. (م)

³ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /šum/ است. (م)

⁴ در گورانی هورامی به جای /d/ میانی از /d/ استفاده می‌شود. (م)

⁵ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /šamšalakōre/ است. (م)

⁶ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /kənāče/ است. (م)

⁷ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /koř/ است. (م)

⁸ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /ʔadā/ است. (م)

⁹ در گورانی هورامی به صورت /tap(p)a/ به کار می‌رود. (م)

¹⁰ در گورانی هورامی، به جای /i/ از /ə/ استفاده می‌شود. (م)

¹¹ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /v/wekōl/ است. (م)

dəraw ³	درو	lit ²	بینی	taynā ¹	تنها
dast ⁶	دست	ma _g az ⁵	مگس	tōm ⁴	بذر، دانه
diwār ⁹	دیوار	māng ⁸	ماه، ماه (سی روز)	tāya ⁷	توده، کومه، کپه، خرمن
fērā	فراوان، زیاد، بسیار	mangāw ¹¹	گاو ماده	wā ¹⁰	باد
ganəm	گندم	māst ¹³	ماست	wāla ¹²	خواهر
gōš	گوشت	matal ¹⁵	داستان	wara ¹⁴	برّه
gəšt	همه	may	گوسفند	warān ¹⁶	باران
gōšt	گوشت	maymān ¹⁷	مهمان	xarmān	خرمن، زمین خرمن کوبی
gāw ¹⁹	گاو نر	mez ¹⁸	میز	xayla	محصول (گندم)

¹ همان /tanyā/ در گورانی هورامی است که با قلب /y/ و /n/ به /taynā/ تبدیل شده است. (م)

² معمولاً /u/ گورانی هورامی در گورانی باجلانی به /i/ تبدیل می‌شود. مانند: /tut/fit/ = برهنه، لخت، عریان، /lut/lit/ = بینی، که بیشتر اشاره شد. (م)

³ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /dərav/wa/ است. (م)

⁴ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /tōm/ است. تبدیل /t/ به /t/ ناشی از تأثیر عربی بر باجلانی است چرا که در زبان گورانی واج تأکید سامی /t/ وجود

ندارد. (م)

⁵ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /mas(š)i/ است. (م)

⁶ در گورانی هورامی، /t/ پایانی آن حذف می‌شود. (م)

⁷ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /lezā/ = توده، کومه، کپه هیزم، /xarmān/ = توده، کومه، کپه، محل گردآوری محصول برای کوبیدن، زمین خرمین کوبی،

کوبی، /tap(p)/ = توده، کومه، کپه هر چیزی / و غیره است. (م)

⁸ برابر نهاد گورانی هورامی آن، «mānga» است. (م)

⁹ در گورانی هورامی، به جای /w/، /v/ نیز به کار می‌رود. (م)

¹⁰ در برخی از گونه‌های گورانی هورامی به جای /w/ از /v/ استفاده می‌شود. (م)

¹¹ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /māngāw/wa/ = گاو ماده (ای که زایمان کرده است و شیرده است) است. (م)

¹² برابر نهاد گورانی هورامی آن، /wāle/ است. (م)

¹³ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /mās/ است. مشخص است که /t/ پایانی گورانی هورامی در گورانی باجلانی حذف می‌شود. مانند: /dast, das/ که

بیشتر اشاره شد. (م)

¹⁴ در برخی از گونه‌های گورانی هورامی به جای /w/، /v/ به کار می‌رود. (م)

¹⁵ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /matala/، /čirōka/ و /dāstāna/ است. /hākāyat/، /īrāza/ و /sar(?)āmā/ نیز به ترتیب به معنی «قصه»،

«حکایت» و «سرگذشت» هستند. (م)

¹⁶ در برخی از گونه‌های گورانی هورامی به جای /w/ از /v/ استفاده می‌شود. (م)

¹⁷ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /memān/ است. (م)

¹⁸ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /meza/ است. (م)

¹⁹ در گورانی هورامی /gāw/ به معنی «گاو نر (به طور کلی)» و /gāv/wa/ به معنی «گاو ماده (به طور کلی)» است. (م)

gāwāsən ³	گاو آهن	nəhō ²	نخود	yāba ¹	چنگک باد دادن/ بوجاری
hamrā ⁵	همراه، رفیق، بار، دوست	nām ⁴	نام	yāna	خانه
hangir ⁸	انگور	nəmāz ⁷	نماز	yānga ⁶	جا، محل، مکان
hanjir	انجیر	nəži ¹⁰	عدس	yaw ⁹	جو
hōr ¹²	خورشید	pā	پا	zi ¹¹	سریع، زود
hārō ¹⁴	امروز	pərc ¹³	مو	zalām	مرد
hōrda ¹⁷	خورش، تاس کباب	paray ¹⁶	پریروز	zəmi ¹⁵	زمین
hōrm	خواب، رؤیا	pəray ¹⁹	پس فردا	zand ¹⁸	بازو، دست، سلاح، جنگ افزار

¹ برابر نهاد گورانی هورامی آن، šana = چنگک چهار دندانۀ چوبی برای باد دادن محصولات و جدا کردن دانه از کاه/ و /čəngāna = چنگک (به طور کلی) است. (م)

² برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /nəway(a) است. (م)

³ در گورانی هورامی از /gāv/wasən/ نیز استفاده می‌شود. (م)

⁴ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /nāme/ است. (م)

⁵ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /hāmīfā/، /yār/، /dōs/ و /řafeq/ است. (م)

⁶ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /yāge/ است. (م)

⁷ در گورانی هورامی، /z/ پایانی آن حذف می‌شود. (م)

⁸ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /hanguri/ است. (م)

⁹ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /yav/wa/ است. (م)

¹⁰ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /nisk/ است. (م)

¹¹ در گورانی هورامی به جای /i/ پایانی از /u/ استفاده می‌شود. (م)

¹² برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /řōjyār/ است. /war/ و /waratāw/ نیز به ترتیب به معنی «آفتاب» و «تابش آفتاب» هستند. (م)

¹³ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /qəž/ و /mu/ است و جمع آنها به ترتیب /qəže/ و /muye, mowe/ است. /pəřč/ و جمع آن /pəřče/ در گورانی

هورامی به معنی «موی دراز (مانند موی سر دراویش)» است. (م)

¹⁴ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /řārō/ است. همانگونه که پیشتر نیز اشاره شده است، تبدیل /ř/ گورانی هورامی به /h/ در گورانی باجلانی تبدیلی

معمول است. (م)

¹⁵ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /zamin/ یا /bumi/ است. (م)

¹⁶ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /pare/ است. (م)

¹⁷ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /xorəšt/ = خورش/ است. (م)

¹⁸ در گورانی هورامی، /bāl/ = بازو/ به کار می‌رود. (م)

¹⁹ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /pere/ است. (م)

har ²	خَر	pyāz	پیاز	zandār ¹	مجروح، زخمی
hařa	گِل	qāčī	قیچی	zənj	چانه
hasp ⁴	اسب	qāqat	کاغذ، نامه ^۳	zwān	زبان (اندام بدن)، زبان (وسیلهٔ ارتباطی)
hastar ⁶	استر، قاطر	qərməz ⁵	قرمز		

¹ در زبان گورانی از /zāmhan/ یا /zāmdār/ استفاده می‌شود. /zām/ همان /zax(ə)m/ است که /x/ آن حذف و /a/ آن بر اثر فرایند کشش جبرانی به /ā/ تبدیل شده است. (م)

^۲ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /har/ است. (م)

^۳ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /nāme/ است. (م)

^۴ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /asp/ است: فرایند تبدیل /ʔ/ گورانی هورامی به /h/ در گورانی باجلانی. (م)

^۵ برابر نهاد گورانی هورامی آن، /sur/ است. افراد خیلی مسن از واژهٔ /qərmez/ برای اشاره به «رنگ خیلی قرمز یا یکدست قرمز» استفاده می‌کنند. (م)

^۶ برابر نهاد آن در گورانی هورامی، /has(s)ara/ است: فرایند حذف /t/ گورانی هورامی در گورانی باجلانی و سپس همگونی کامل /t/ با /s/. (م)